

خانواده مبلغان ۳

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال اول - شماره ۳ / رجب المرجب ۱۴۴۴

■ هشتک زن، سرزندگی

■ دختر خانم‌ها بخوانند ...

■ بهترین کارو برای پدر

■ انقلاب اسلام مانع ظهور است؟!

■ مهارت ارتباط صمیمی والدین با فرزندان (۲)

■ الگوی زن ایرانی ملمان را به دنیا نشان دهیم!



چهل و چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران گرامی باد



اکثر سیر فی النساء

قال تهاق علیه السلام
من لا یحضره فیه
۲۸۵/۳۳

امید مادر تبدیل دختران مؤمن به بانوان دانشمند برآورده شد

۹۹ شما بانوان فرزانه و دانشور و فهیم و باسواد، الحمدلله همه جا هستید و این جمعی که اینجا هستید مشیت نمونه خروارید، یعنی یک گل از یک گلستان بزرگ هستید؛ در سراسر کشور بحمدالله بانوان فهیمه، سنجیده، درس خوانده، بااطلاعات، خیلی زیادند، الحمدلله. همان امیدی که ما داشتیم که این دخترهای جوان مؤمن رشد می‌کنند، تبدیل می‌شوند به بانوان عالم و دانشمند، بحمدالله برآورده شده.

رهبرانقلاب در دیدار اقشار مختلف بانوان
۱۴۰۱/۱۰/۱۴



ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال اول- شماره ۳
رجب المرجب ۱۴۴۴ قمری
بهمن ماه ۱۴۰۱ شمسی

خانواده مبلغان ۳

فهرست

پیام فرمانده ۲
#هشتگ «زن، سر زندگی» ۳

دانش‌افزایی

انقلاب اسلامی مانع ظهور است؟! ۵
رنگ استجابت را ببینیم! ۸
محدوده‌ی حیا در روابط خانوادگی ۲ ۱۲
احکام خون در مواد غذایی ۱۸
سنه ضروریه ۳ (مراقب هوای زندگی‌مون باشیم!) ۲۰
آسیب‌های فضای مجازات را بشناس (روابط همسران ۱) ۲۷
همراه همدل ۳۳
چی بخونیم؟ ۳۸
طرح مددکاری (۳۱۳) ۴۱
دختر خانم‌ها بخوانند ۴۵
قیمت زندگی چنده؟ ۵۲
هم کیف، هم کتف ۵۳

مهارت‌افزایی

مهارت ارتباط صمیمی والدین با فرزندان ۲ ۵۴
بهترین کادو برای پدر ۶۱
سنتی جاودانه ۲ ۶۶

بصیرت‌افزایی

اقتدار مادران شهدا، تکیه‌گاه یک ملت ۷۲
الگوی زن ایرانی مسلمان را به دنیا نشان دهیم! ۷۷

بامخاطبان

خودتان طلبه بشوید! ۸۳
می‌تونم بگی؟ ۸۷
برگزیده آثار ارسالی از مخاطبین ۸۸

شناسنامه

- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
- مدیرمسئول: محمود مقدمی
- سردبیر: جواد قزاقی
- هیئت تحریریه: حسین ملانوری، اصغر اخوی، مهدی هادی، علی ملکوتی‌نیا، علیرضا زنگویی، جواد قزاقی، محمد حامد مبینی‌راوندی، فروغ کاوری، هاجر شعبانی موسی کلایه، سیده منیر سیدتقی، رضیه جبرئیل‌زاده، سمانه فرهادتوسکی.
- مدیر اجرایی: احمد اسماعیلی
- صفحه‌آرا و امور هنری: سید محسن حسینی

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
۲. مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
۳. مقالات و یادداشت‌های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی-پژوهشی، منتشر می‌شود.
۴. نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.
۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.
۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.

نشانی: قم، زنبیل‌آباد، بیست‌متری فجر، خیابان دانش، مجتمع شهید صدوقی، فاز ۷، مرکز پژوهش‌های تبلیغی، دفتر ماهنامه خانواده مبلغان.

صدوق پستی: ۳۷۱۳۱۶۴۴۷

تلفن: +۹۸۳۳۳۱۳۲۵۶۴

پایگاه اطلاع‌رسانی: <http://mobaleghankhanvade.ismc.ir/>



پیام فرمانده خانه‌داری یا خانه‌نشینی

«اصلی‌ترین نقش یک زن، از نظر اسلام همین نقش خانه‌داری است؛ منتها مهم این است که خانه‌داری به معنای خانه‌نشینی نیست. بعضی این‌ها را با هم اشتباه می‌کنند. وقتی می‌گوییم خانه‌داری، خیال می‌کنند می‌گوییم در خانه بنشینید هیچ کار نکنید، هیچ وظیفه‌ای انجام ندهید، تدریس نکنید، مجاهدت نکنید، کار اجتماعی نکنید، فعالیت‌های سیاسی نکنید، معنای خانه‌داری این نیست. خانه‌داری یعنی خانه را داشته باشید در کنار داشتن خانه، هر کار دیگری که از عهده‌ی شما برمی‌آید و میل به آن و شوق به آن را دارید می‌توانید انجام بدهید؛ منتها همه در ذیل خانه‌داری است. کارهای اجتماعی در یک مواردی فریضه است، وظیفه است، باید انجام بدهید.»

پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار جمعی از بانوان منتخب کشور، ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۱.

هشتگ^۱ «زن، سرزندگی»

محمود مقدمی

این عبارت را چند جور می‌شود خواند:

▶ «زن، سِرِ زندگی»

▶ «زن، سَرِ زندگی»

▶ «زن، سَرزندگی»

همه‌ی این‌ها درست است! زن، هم راز ماندگاری و رشد معنوی زندگی است، هم گلِ سرسیدِ خانواده و هم باعث سرزندگی خانواده است. آری زن همه‌ی زندگی است و به قول رهبر عزیز انقلاب علیه السلام، «زن در نقش مادر، مانند حق حیات است.»^۲ او آفریده شده تا انسان‌ساز باشد، واسطه خلقت باشد. پس باید «سرزنده» باشد تا بتواند سِرِ زندگی، حیات و مایه‌ی آرامش باشد. باید آن‌چنان استحکام روحی داشته باشد که بتواند سکوی پرواز خانواده باشد. زیرا به فرموده‌ی امام خمینی رحمته الله علیه «از دامن زن مرد به معراج می‌رود.» البته «در ارزش‌گذاری اسلامی و انسانی، هیچ تفاوتی میان جنس زن و مرد نیست»^۳ و از جهت تکالیف و مسائل اجتماعی نیز زن و مرد در جامعه «وظایفی یکسان اما در نقش‌ها و شکل‌های متفاوت»^۴ دارند از سوی دیگر «زن در نقش همسر، مظهر عشق و آرامش بخشی است.»^۵



یک کلمه مهارت‌های انسان‌سازی؛ آن‌ها را در پذیرش مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و تربیتی مثل تدریس، تبلیغ و هدایت‌گری اجتماعی برای همسران و فرزندان مبلغان یاری رساند. به نظر می‌رسد اگر خانواده مبلغان؛ - آقا، خانم و فرزندان - دغدغه‌ی مشترکی داشته باشند و بخواهند در «مکتب سلیمانی»، نسلی از «ملت امام حسین (علیه السلام)» را تربیت کنند؛ قطعاً از زندگی جهادی خود، راضی بوده و لذت بیشتری خواهند بُرد.



پی‌نوشت

۱. رهبر معظم انقلاب (ع): «با استفاده از ارتباطات مجازی، نگاه اسلام به مسئله‌ی زن و مرد را در قالب گزاره‌های کوتاه و گویا و ابتکارهایی مانند هشتک‌سازی، تنظیم و به تشنگان این حقایق به‌خصوص در کشورهای اسلامی عرضه کنید». ۱۴۰۱/۱۴
۲. همان.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (ع) در دیدار با بانوان ۱۴۰۱/۱۰/۱۴.
۴. همان.
۵. همان.
۶. ۲۱/روم.
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب (ع) در دیدار بیانات جمعی از زنان ۱۳۷۶/۷/۳۰.
۸. همان.

آیه‌ی شریفه‌ی «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»؛^۱ نیز همین رامی‌گوید «از جمله نشانه‌های قدرت الهی این است که برای شما انسان‌ها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد (لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید.^۲ پس وظیفه‌ی زن انسان‌سازی و آرامش بخشی به اهل خانه است، نه کارگری و آشپزی! البته اگر «چنانچه زن در خانه داوطلبانه مایل به انجام کار باشد، اشکالی ندارد. اما به تصریح روایات، زن در خانه همچون یک کارگر نیست که دیگران بتوانند او را به انجام کار وادار کنند».^۳

تحریریه‌ی ماهنامه خانواده مبلغان با الگو گرفتن از فرمایشات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (ع) سعی دارد ضمن بالا بردن دانش و مهارت‌های همسرداری، فرزند داری و خانه‌داری و در



انقلاب اسلام مانع ظهور است؟!!

رقیه حیدری آل کثیر - دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه - کارشناس مشاوره

🗨 گفت: به نظر من تا وقتی ما در ایران به عنوان بزرگترین تجمع شیعیان؛ به جای امام زمان علیه السلام حکومت تشکیل دادیم، رهبر انتخاب کردیم و به زندگی خودمان سرگرمیم، هیچ وقت امام زمان علیه السلام ظهور نمی کند. چون مردم خلأ وجود امام را حس نکرده و با اضطرار، از خدا ظهور را طلب نمی کنند.

شیعیان بر اساس فقه حکومتی اسلام، یعنی حاکمیت فقها در دوران غیبت امام عصر علیه السلام، حکومت تشکیل داده اند. در حالی که بیش از هزار و صد سال از شروع غیبت کبری می گذرد.

🤔 اگر انقلاب و تعیین رهبر مانع ظهور است، خب چرا پیش از انقلاب، امام ظهور نکرده؟!!

یک سؤال دیگر؛

🗨 گفت: دوست عزیز، الآن چهل و چند سال است که انقلاب اسلامی پیروز شده و برای اولین بار بعد از غیبت، همان طور که گفتی، تنها تجمع شیعیان در جهان که حکومت تشکیل داده و

رهبر انتخاب کرده‌اند، ما هستیم. آیا شیعیان کشورهای دیگر که از ولایت فقیه محروم‌اند، بیش از ما خلأ وجود امام را حس می‌کنند و مضطر هستند؟ حق با توست که گفتی سرگرم شدن شیعیان به زندگی روزمره و غفلت از یادآوری خلأ حضور امام، باعث دوری ما از ایشان می‌شود. اما ظهور به جز مضطر شدن شیعیان، معطل آماده شدن شیعیان هم هست. تا وقتی بشر آماده پذیرش امام نشده باشد، خداوند پرده‌ی غیبت را کنار نمی‌زند.



دارند. به همین جهت، امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ پیاده شدن احکام اسلام در این مملکت و دیگر ممالک اسلامی و همچنین مبارزه با ظلم و زور را مقدمه ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام می‌دانستند.^۲

در روایتی، شیخ کلینی رحمۃ اللہ علیہ از امام موسی کاظم علیه السلام نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: «...هرکسی به انتظار امر ما اسبی را نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را

امام مهدی علیه السلام به شیخ مفید رحمۃ اللہ علیہ نامه‌ای نوشته و فرموده‌اند: «... اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را در راه پیروی از خود

خشمگین سازد، درحالی که او منسوب به ماست، خداوند روزی اش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاری کند.^۳ آمادگی نظامی، ایستادگی در برابر ظلم و استکبار، بخشی از کسب آمادگی برای ظهور است که فقط با برقراری حکومت اسلامی معتقد به زمینه سازی ظهور محقق می شود.

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد، این است که زمان ظهور مشخص نیست و هروقت اراده ی خداوند تعلق گیرد، ممکن است ظهور رخ دهد. بنابراین، شیعیان باید همواره در حال آمادگی باشند به سر برند تا در زمان ضرورت، به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و مستکاران جهان به پا خیزند.^۴

امام خمینی رحمة الله علیه با وسعت دیدی که داشت، «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه در ذهن دیگران بود، مطرح می کرد و معتقد بود که باید از هم اکنون برای گسترش قدرت امام علیه السلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنان که باید، فراهم شود. هرچه بیشتر ما از این شرایط به وجود آمده به برکت انقلاب اسلامی بهره ببریم و بیشتر برای ظهور آماده شویم، به نزدیک شدن ظهور کمک کرده ایم.

پی نوشت

۱. قال الامام المهدي عليه السلام: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهْمُ اللهُ لِعَاطَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْنَهُمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»؛ الاحتجاج، طبرسی، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۹.
۲. صحیفه ی نور، امام خمینی رحمة الله علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمة الله علیه، چاپ اول، ۱۳۷۸ش، ج ۱۵، ص ۲۶۲.
۳. «... مِنْ ارْتَبَطَ دَائِبَةً مُتَوَقِّعاً بِهٖ أَمْرُنَا وَ يَغِيظُ بِهٖ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مُنْشُوبٌ إِلَيْنَا أَدْرَ اللهُ رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ تَلَعَّهٗ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْناً عَلَيَّ خَوَائِجِهِ»؛ کافی، شیخ کلینی، نشر اسوه، سال ۱۳۷۶، تهران، ص ۵۳۵، ج ۱.
۴. مقاله ی «زمینه سازی برای ظهور، آرمان انقلاب اسلامی»، ابراهیم شفیعی سروسستانی، مجله موعود، سال چهاردهم، بهمن ۱۳۸۸، شماره ۱۰۸، ص ۱۰ تا ۱۸.

زندگی استجابت را ببینیم!

محمدحسین قدیری - دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه - کارشناس ارشد روان‌شناسی

در اقیانوس روزگار، گاهی کشتی خانواده، فرزرها و شیرینی‌ها را تجربه می‌کند و زمانی به امواج تلخی‌ها وارد می‌شود. وقتی طوفان و تندبادهای روزگار، کشتی خانواده را به کام گرداب‌ها و امواج خروشان گرفتاری‌ها، بیماری‌ها و نیازها می‌برد، به‌طور فطری دست به دعا بلند می‌کنیم و از خداوند کمک می‌خواهیم. طبق فرموده‌ی حضرت حق دعاها مستجاب می‌شود، مگر این‌که خودمان چوبِ حق‌الناس و گناه و گریز از توبه و به خدمت نگرفتن اسباب طبیعی، لای «چرخ استجابت» بکنیم. ممکن است بگویید: «بدون این‌که چوب لای چرخ استجابت گذاشته باشیم، گاهی خود یا

دیگر اعضای خانواده، نیاز سلامتی، شغلی، تحصیلی، ازدواج، فرزندآوری و فرزندپروری داشته‌ایم، ولی رنگ استجابت را هم ندیده‌ایم.» پاسخ این شبهه را در قالب نکاتی بیان می‌کنیم.

❶ استجابت الزاماً به معنی رسیدن به تمام خواسته‌های دنیوی و مادی خودمان نیست. خداوند رحمان ممکن است چیزی را برای ما در نظر بگیرد که خیلی بیشتر به صلاح دنیا، دین و آخرت ما باشد.

❷ در تجارب زندگی غالباً خواسته‌هایی داشتیم و برای برآورده شدن آن‌ها به شدت دعا می‌کردیم ولی بعداً

در اقیانوس روزگار، گاهی کشتی خانواده، فرزرها و شیرینی‌ها را تجربه می‌کند و زمانی به امواج تلخی‌ها وارد می‌شود. وقتی طوفان و تندبادهای روزگار، کشتی خانواده را به کام گرداب‌ها و امواج خروشان گرفتاری‌ها، بیماری‌ها و نیازها می‌برد، به‌طور فطری دست به دعا بلند می‌کنیم و از خداوند کمک می‌خواهیم. طبق فرموده‌ی حضرت حق دعاها مستجاب می‌شود، مگر این‌که خودمان چوبِ حق‌الناس و گناه و گریز از توبه و به خدمت نگرفتن اسباب طبیعی، لای «چرخ استجابت» بکنیم. ممکن است بگویید: «بدون این‌که چوب لای چرخ استجابت گذاشته باشیم، گاهی خود یا



۵ گاهی هم ممکن است استجاب
به شکل پس انداز و ذخیره‌ی آخرت
برای مادر نظر گرفته شود؛ به طوری که
طبق روایات اجر و پاداش آن از
تصور و وهم خارج باشد و تمنا کنیم
که ای کاش به دنیا برمی گشتیم و
بسیاری از دعاهایمان مستجاب

خدا را شکر کرده‌ایم که دعای ما
طبق خواسته‌ی خودمان مستجاب
نشده است:

شکر حق را کان دعا مردود شد

من زیان پنداشتم آن سود شد

بس دعاها کان زیانست و هلاک

و زکرم می نشنود یزدان پاک^۲

۳ گاهی استجاب، برای دفع (پیشگیری)،

رفع کردن بلا و گرفتاری هزینه می‌شود.^۳

۴ دعا کردن بدون کمک گرفتن از

اسباب طبیعی، مانند تیر انداختن

با کمان بدون زه است. حتی انبیا و

اولیای خدا و افراد مستجاب‌الدعوه،

به دعا به عنوان تنها کلید حل

مشکل و رفع نیاز کمک نگاه

نمی‌کردند. دعا مثل روح در کالبد

همه تلاش‌ها و اقدامات عملی آن‌ها

جریان داشت.



موانع مهم مسیر خواسته‌ها و نیازها می‌شود؛ مثلاً برای شفای بیمارمان دعا می‌کنیم، خداوند شرایطی مهیا می‌کند که با پزشک حاذقی مرتبط شویم یا شرایطی ایجاد می‌کند که به‌جای آزمون و خطا برای تشخیص بیماری، علت بیماری سریع‌تر مشخص می‌شود، با داروهای متناسب و مؤثر در درمان زودتر مهمی‌می‌شوند.

مثال دیگر: دختر و خانواده‌ی او که برای ازدواجش دعا می‌کنند، ممکن است با دعا، خواستگار بد یا ناهمسانی از دختر دفع شود؛ یا فرصت زیادتری ایجاد می‌شود تا دختر با جلسات و کتب و مشاور پیش از ازدواج آشنا شود، تا اگر دیر هم ازدواج

نمی‌شد تا در سرای باقی و جاوید در نعمت‌ها و پاداش‌های اعجاب‌انگیز غوطه‌ور شویم.^۴

❦ یکی از خطاهای فکری درباره‌ی دعاها نگاه صفر و صدی یا سفید و سیاهی به استجاب دعا است. نگاه صفر و صدی یعنی این‌که باور داشته باشیم که یا «تمام اجزای» هر دعا صد در صد مطابق خواسته‌ی ما مستجاب می‌شود یا کلاً مستجاب نمی‌شوند.

❧ در بسیاری از موارد اثرات استجاب بین صفر تا صد ظاهر می‌شود. در اینجا دعا سبب ایجاد یا تسهیل برخی از علل و عوامل مهم در رسیدن به خواسته می‌شود، یا دعا باعث رفع برخی از



فرصت با فرستادن امواج منفی سبب ناامیدی، بدبینی و دین‌گریزی ما می‌شود. درباره «نذر» نیز باید به همین نکات ظریف دقت کنیم.

به وعده‌ی خداوند در تک‌تک

دعاهای خود امیدوار باشیم که

خداوند خلف وعده نمی‌کند؛

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾^۶

پی‌نوشت

۱. ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ غافر/۶۰

۲. مولوی.

۳. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ

بِالدُّعَاءِ قَبْلَ وُجُودِ الْبَلَاءِ»؛ بحارالانوار، محمدباقر

مجلسی، بیروت، ج ۹۰، ص ۲۸۹

۴. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أُجْرُوا إِجَابَتَهُ شَوْفًا

إِلَى صُوتِهِ وَدَعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ

وَجَلَّ عَنِّي دَعْوَتِي فَأَحْرَثَ إِجَابَتِكَ وَ ثَوَابِكَ كَذَا وَ

كَذَا وَ دَعْوَتِي فِي كَذَا وَ كَذَا فَأَحْرَثَ إِجَابَتِكَ وَ ثَوَابِكَ

كَذَا وَ كَذَا قَالَ فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ

دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ الثَّوَابِ»؛ الکافی،

محمدبن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

ج ۲، ص ۴۹۰.

۵. غافر/۶۰.

۶. آل عمران/۹.

می‌کند، علمی و روشمند ازدواج کند. این‌طور نباشد که پس از ازدواج، مجبور به طلاق و جدایی شود. بنابراین گاهی دعا سبب رفع برخی عایق‌ها یا تسهیل مقدمات و ایجاد زمینه‌ها و عوامل میانی مسیر استجابات است.

آسیب‌های نگرش صفر و صدی

نگاه صفر و صدی به استجابات دعا از نظر روان‌شناختی، آسیب زیادی به نگرش دینی و امیدواری و خوش‌بینی ما می‌زند. ما را به خود و خدا و آینده بدبین می‌کند. با این نگرش، به اشتباه فکر کنیم خداوند رحمان زیر عهد ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ زده و به قول خودش که «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» وفا نکرده است.^۵ همچنین ممکن است به خودمان بدبین شویم و تصور کنیم به خاطر پلیدی و بی‌ارزشی ما است که خداوند به ما نگاه هم نمی‌کند. جدای از باورهای اشتباه درباره‌ی استجابات باید توجه داشته باشیم شیطان در این

محدوده‌ی حیا در روابط خانوادگی ۲

الهه صالحی - دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

در شماره دوم ماهنامه، به این نکته اشاره شد که حیا رابطه‌ی مستقیمی با محبت و علاقه دارد. زیرا زوجین با حفظ حریم شخصیت یکدیگر مانع اختلاف خواهند شد و در نتیجه، محبت و عشق‌ورزی آن‌ها نه تنها کم نمی‌شود؛ بلکه بیشتر هم خواهد شد. در این شماره، به بیان محدوده‌ی حیا در زندگی مشترک می‌پردازیم.



⬅ (ب) حیا در زندگی مشترک

حیا در روابط همسران بعد از آغاز زندگی مشترک، شکل متفاوتی دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «آن‌ها لباس شما هستند؛ و شما لباس آن‌ها.» این هماهنگی زن و شوهر در بردارنده‌ی الگوی حیا است که بایانی لطیف و دقیق آمده است. رابطه‌ی زناشویی، بر پایه‌ی پوشیدگی، حیا و وقار زن و شوهر در برخورد باهم است. هر یک از زوجین، پوشش دیگری است



درآورد و هرگاه بعدازاین خلوت لباس
پوشید، جامه‌ی حیا را نیز برتن کند.^۴
اما جایز بودن برخی کارها در خلوت
زناشویی به معنای مجاز بودن آن در
همه مکان‌ها و زمان‌ها نبوده و شرایط
و اقتضاهای متفاوتی دارد. ممکن
است کاری در فضایی پسندیده باشد،
اما در فضایی دیگر ناپسند و بی‌حیایی
محسوب شود. پس بهترین وضعیت
آن است که وقتی زن و شوهر لباس
برتن کردند، جامه‌ی حیا را نیز برتن
کنند. مثلاً یکی از کارهایی که ممکن
است در روابط زوجین اتفاق بیفتد،
شرح خلوت‌های زناشویی برای دیگران
است که این کار مخالف روح حیاست.
خلوت‌های زناشویی همان‌گونه که
از دید دیگران مخفی است، باید از
گوش دیگران نیز مخفی بماند. چراکه
در اسلام به پنهان بودن آن سفارش
زیادی شده است.^۵

که مایه‌ی شرمساری و آبروریزی او
نمی‌شود و نه تنها پرده حجب و حیا را
نمی‌درد، بلکه خود، پوششی برای وی
خواهد بود.^۲
حیا در زندگی مشترک را می‌توان به دو
بخش **روابط زناشویی و آداب معاشرت**،
تقسیم کرد که در ادامه به بیان آن‌ها
می‌پردازیم:

حیا در روابط زناشویی

یکی از موارد حیا در روابط زوجین،
مربوط به زناشویی است. در این‌گونه
موارد، حیا برچیده می‌شود و به همان
اندازه که از پوشش آنان کاسته
می‌شود، حیا آن‌ها نیز کاهش
می‌یابد. در چنین مواردی، وجود حیا
دیگر یک حُسن به شمار نمی‌آید.^۳
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بهترین
زنان شما زنی است که به هنگام
خلوت با همسرش لباس حیا را از تن



آداب معاشرت

الف) گفتگوهای محبت آمیز

ارتباط کلامی همسران باید بر مبنای حیا، ادب و عبارات عاطفی و دل نشین باشد. این روش نه تنها موجب استحکام خانواده می شود، بلکه در حیای گفتاری فرزندان هم تأثیر بسزایی دارد. گفتگوهای دل نشین و گفتگوهای دلریا، روح و جسم انسان را نوازش داده و مخاطب را تحت تأثیر شدید عاطفی قرار می دهد که تا آخر عمر فراموش نخواهد شد و اگر اشتباهی

از طرف مقابل سر زد با این گفتگوهای محبت آمیز مشکلات برطرف خواهد شد. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «این گفتار مرد به همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود.»^۱ چه زیباست زن و شوهری که می خواهند سال هادر کنار هم زندگی کنند، گفتگوهای خود را بر اساس عشق و علاقه و محبت تنظیم کرده و همواره در گفتار خود، رعایت ادب و حیا را داشته و از کلمات اهانت آمیزی

اگر دست خالی به خانه برگردد، بسیار او را شرمنده و خجل می‌سازد. زنان باحیا و کریم النفس با درک چنین حالتی، از بیان خواسته‌ای که ممکن است خارج از توان همسرشان باشد، خودداری می‌کنند، حتی اگر مایحتاج منزل باشد.^۹ در مقابل شوهر هم باید این مسئله را در نظر بگیرد که همسرش از صبح تا به شب به امور سخت خانه‌داری و تربیت فرزند پرداخته و گاهی از شدت خستگی متوجه نیاز شوهر یا قادر به پاسخگویی نیاز همسرش نیست، در اینجاست که مرد فهمیده، با درک شرایط دشوار خانه‌داری اگر خواسته و نیازی دارد، یا باید خود برآورده کند یا به صورت کنایه به همسر خویش مراد خود را بفهماند.

در سیره‌ی بزرگان دین نقل شده که هرگز از دیگران چیزی درخواست نمی‌کردند، بلکه به‌جای درخواست مستقیم، از روی حیا و کنایه سراغ آن چیز را می‌گرفتند؛

که با تمسخر، تحقیر و سرزنش همراه هست، بپرهیزند که این کلمات موجب دلسردی همسر می‌شود.^۷

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: «خداوند کریم است و حیا می‌کند و اهل حیا را دوست دارد. همانا گرمای‌ترین شما نزد خداوند، کسی است که بیشترین تکریم را نسبت به همسر خود دارد.»^۸

● (ب) حیا در خواست از همسر

یکی از ویژگی‌های همسران ایده‌آل، داشتن حیا در خواستن از طرف مقابل است. انسانی که با فطرت باشد به‌خوبی درک خواهد کرد که اگر از کسی درخواستی کند که نتواند آن را برآورده کند، باعث شرمنده شدن طرف مقابل می‌شود. از آنجاکه در زندگی زن‌اشویی معمولاً مردان مسئول تأمین نیازمندی‌های خانواده هستند. این احساس مسئولیت برای مرد است که

● (ج) حیا در اختلاف‌ها

بسیاری از اختلاف‌های همسران، اولین تأثیر خود را در حیای زوجین نشان می‌دهد که باعث می‌شود نوع سخن گفتن و کلمات مورد استفاده و نوع نگاه و رفتار، تغییر کند و ممکن است حالت بی‌شرمانه‌ای به خود بگیرد و این اختلاف به محدوده‌ی خانواده کشیده و یا حتی به اقوام هم برسد. همسران باحیا، هنگام اختلاف، نه از کلمات ناشایست استفاده می‌کنند و نه رفتارهای نابخردانه از خود نشان می‌دهند؛ چراکه عمومی کردن اختلاف نزد دیگران از زشت‌ترین کارهای همسران می‌باشد؛ زیرا فشار روانی از سوی دیگران را نیز سبب می‌شود که خود موجب افزایش اختلاف شده و ممکن است برطرف کردن آن مشکل‌تر باشد. حیا اقتضای کندگی که بر اختلافات خانوادگی سرپوش نهاده و به نحوی شایسته در درون خانواده حل گردد.^{۱۳}

به‌عنوان مثال می‌گفتند: «در خانه آب هست؟»^{۱۴} حضرت فاطمه علیها السلام به همسر خویش می‌فرماید: «ای علی! من از پروردگار شرم دارم که چیزی از تو درخواست کنم که توان برآوردن آن را نداشته باشی.»^{۱۵} در اینجا سخن از تجملات زندگی نیست، سخن از غذای ساده است، و مهم‌تر این‌که سخن از حیای خداوند است نه حیای شوهر. کسی چون حضرت زهرا علیها السلام چنین درخواست‌هایی را بی‌شرمی در برابر خداوند متعال می‌داند.^{۱۶} یکی از وظایف همسران طلاب و مبلغان، شاکر و قانع بودن آن‌هاست. گاه اتفاق می‌افتد که در زندگی کمبودها و سختی‌هایی به وجود آید که بهترین زنان کسانی هستند که ضمن همراهی با همسر خویش، برای بهبود وضع زندگی، روحیه‌ی شکر و قناعت را در خود تقویت کنند که این امر موجب استحکام روابط خانوادگی می‌شود.

و چه زیبا خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد باهم صلح کنند که سازش، بهتر است؛ اگرچه مردم (طبق گزینه حبّ ذات، در این‌گونه موارد) بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»^{۱۴}

ادامه دارد...



برای مطالعه بیشتر:

۱ کتاب مروراید عفاف، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۶.

پی‌نوشت

- ۱ . بقره/ ۱۸۷.
- ۲ . غنچه‌های شرم (نگاهی نو به مفهوم حیا)، عباس پسندیده، دارالحدیث، قم، بی‌چا، ۱۳۸۶، ص ۴۷.
- ۳ . جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، سیده مرضیه علوی، مرکز نشر هاجر، قم، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۷۱.
- ۴ . «حَبِيزٌ نِسَائِكُمْ الَّتِي اِذَا خَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهٗ دِرْعَ الْحَيَاءِ، وَ اِذَا لَبِسَتْ لَبِيسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ»؛ الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، دارالحدیث للطباعة والنشر، چاپ اول ۱۴۳۰ق، ج ۱۰، ص ۵۷۱.
- ۵ . پژوهشی در فرهنگ حیا، عباس پسندیده، دارالحدیث، قم، چاپ پنجم ۱۳۸۵، ص ۷۹.
- ۶ . وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، بی‌چا، ج ۱۴، ص ۱۰.
- ۷ . جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، ص ۸۱.
- ۸ . «فَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِيْمٌ يَسْتَجِيبُ وَ يُجِبُّ اَهْلَ الْحَيَاءِ اِنَّ اَكْرَمَكُمْ اَشْدُّكُمْ اِكْرَامًا لِحَلَالِطَلِبِهِمْ»؛ من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۰۶.
- ۹ . غنچه‌های شرم، عباس پسندیده، ص ۴۹.
- ۱۰ . جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، ص ۸۲.
- ۱۱ . بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، موسسه وفا، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۱۰۳.
- ۱۲ . پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۷۹.
- ۱۳ . جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، ص ۸۶.
- ۱۴ . نساء/ ۱۲۸.

احکام خون در مواد غذایی

علی گرجی - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم



خونی که در مواد غذایی دیده می شود چه حکمی دارد؟

غالباً در سه مواد غذایی خون دیده می شود:



۱ گوشت (مرغ، ماهی، گاو، گوسفند و ...)

همه مراجع: خون گوشت در نایلون هنگام خرید و خونی که از گوشت قبل از شستن، هنگام شستن، خرد کردن، چرخ کردن، باز شدن یخ گوشت فریزری، سرخ کردن، آبپز و کباب کردن خارج می شود، پاک است و چیزی را نجس نمی کند.



۲ تخم مرغ؛

✓ آیات عظام؛ خامنه‌ای، فاضل رحمة الله عليه، مظاهری، مکارم، سیستانی و سبحانی:

اگر آن لکه خون را بردارند، بقیه تخم مرغ پاک و حلال است.

✓ آیات عظام: تبریزی، صافی، بهجت رحمة الله عليهم، زنجانی، وحید خراسانی، نوری و جوادی آملی:

بنابراحتیاط واجب (تا پوست نازک بین زرده و سفیده پاره نشده) اگر خون در زرده باشد، سفیده پاک است و اگر در سفیده باشد، زرده پاک است.

🔵 **تبصره:** مقلدین مراجعی که احتیاط واجب فرمودند، می‌توانند به مرجع اعلم بعد

از مرجع خود که در این مسئله فتوا داده‌اند، رجوع کنند (آن لکه خون را بردارند و بقیه تخم مرغ پاک و حلال است).

🔵 **نکته:** لکه‌های سفید، کرمی یا قهوه‌ای داخل تخم مرغ و هم‌چنین لکه‌های

قهوه‌ای، کبود و سیاه‌روی پوست تخم مرغ، خون نیست و پاک است.

۳ شیر؛

خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی: پاک است.

بقیه مراجع: نجس است.

پی‌نوشت

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله‌ی ۹۶ تا ۹۹؛ رساله‌ی آموزشی رهبر معظم انقلاب رحمة الله عليه، ج ۱، درس ۷.

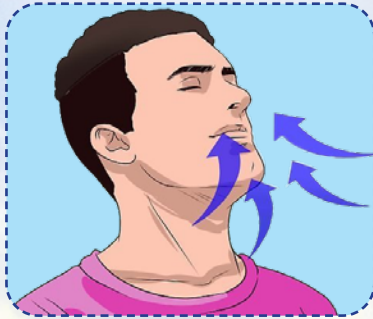


سه ضروریه

مراقب هوای زندگیمون باشیم!

اکرم کاوری - دانش آموخته‌ی دوره طب ایرانی - اسلامی

نوع آب‌وهوا و کیفیت آن بر روی مزاج و سلامت فرد مؤثر است. شرایط آب‌وهوا؛ بستگی به فصل‌ها، دوری و نزدیکی به کوه یا دریا، محل زندگی و خاک منطقه دارد. مثلاً نزدیکی به کوه یا دریا روی خشکی، گرمی، سردی و مرطوب شدن منطقه تأثیر می‌گذارد. تغییر درجه هوا در اوقات مختلف روز و در فصول مختلف و همچنین آلودگی هوای توانستند تعادل بدن را به هم بزنند. چنانچه می‌دانیم اکسیژن وارد شده به بدن بعد از فعل و انفعالات مخصوصی، دی‌اکسید کربن و بخار آب تولید می‌کند و این دو از طریق ریه و پوست دفع می‌گردند. هرگونه اختلال در ورود اکسیژن کافی به بدن و یا اختلال در دفع دی‌اکسید کربن و بخار آب از بدن صورت گیرد، سلامت بدن را به طوری تهدید می‌کند.



هوای اطراف و زیر درخت‌هایی مثل

درخت گردو و انجیر و کشتزارهای کلم،

برای تنفس بسیار نامناسب هستند.

هوای زمین پست و هوای محبوس بین

دره‌ها که به سرعت گرم و به سرعت سرد

می‌شوند، نامطلوب است.

هوای محبوس بین دیوارهای نمناک که

در آن آهک بکار رفته است و نیز هوای

شاید مهم‌ترین تدبیر برای داشتن سیستم

تنفسی سالم، توجه به هوای استنشاقی در

طول زندگی باشد.

خصوصیات هوای مطلوب

۱ بین سقف و دیوارها محبوس نباشد،

آزاد و در گردش باشد.

۲ صاف و پاکیزه باشد.

۳ آلوده به مواد خارجی و سموم (دود و

بخار و...) نباشد.

۴ بخار مسیل‌ها؛ جنگل‌ها، گردشگاه‌ها؛

دره‌ها با هوای استنشاقی مخلوط

نشده باشد.

۵ گاه‌گاهی نسیمی در آن بوزد.

۶ موافق مزاج و طبیعت آن فصل باشد.

(در تابستان گرم و در زمستان سرد)



ضعف هضم و تشنگی مفرط می‌شود.

❷ **هوای سرد:** باعث استواری بدن، تقویت

هضم، نگهداری رطوبت‌ها در بدن،

افزایش ادرار، کاهش مدفوع (به علت

انقباض ماهیچه‌های مقعد و تبدیل

بخش آبکی مدفوع به ادرار) می‌شود.

❸ **هوای مرطوب:** باعث نرمی پوست،

طراوت و شادابی می‌شود.

❹ **هوای خشک:** باعث خشکی پوست و

پژمردگی بدن می‌شود.

● **هوای هر فصل تأثیر متفاوتی روی**

بدن دارد.^۳

تأثیرات هوای فصل‌ها بر روی بدن:

❶ **بهار:** هوای معتدلی است و

باعث اعتدال خون و سرخی صورت

بناهای نوساز (به علت رطوبت مصالح

خانه) هوای نامناسبی است.

▶ **افراط (مثل سرمای بیش از حد معمول**

زمستان) یا تفریط (مثل گرم بودن

زمستان) هوارا ناسالم می‌کند.^۲

تأثیر هوا بر بدن:

❶ **هوای گرم:** گرم معتدل: باعث خروج

خون به سمت ظاهر بدن و سرخی

پوست می‌شود.

گرم غیرمعتدل: باعث سوختن خلط‌های

مفید بدن و سستی بدن می‌شود.

گرم افراطی: باعث سوختن شدید

خلط‌های ضروری بدن، زردی رنگ

پوست، عرق کردن زیاد، کاهش ادرار،

متأسفانه میوه‌های غیر فصل انباری به بازار ارائه می‌شود که مضر است). بهار، برای کودکان و نوجوانان بهترین فصل است.

👉 **تابستان:** گرمای سوزان تابستان، باعث کاهش نیروی بدن و کم شدن کنش‌های طبیعی بدن، زردی صورت، بی‌خوابی و ضعف دستگاہ گوارش می‌شود. در تابستان‌های بسیار گرم، لاغری و انواع تب‌ها شایع است. اما بیماری‌های تابستانی طولانی نمی‌شوند. تابستان فصل شادابی پیران است (چون بدن سردی دارند) اما افراد صفاوی (طبع گرم و خشک) در این فصل دچار بیماری و ضعف می‌شوند. چون بدنشان گرم و

می‌شود. خلط‌های راکد در بدن به جریان می‌افتد و باعث بروز عطسه و آبریزش و حساسیت‌های فصلی در برخی افراد می‌شود، به‌ویژه افرادی که در فصل زمستان پرخوری کرده و تحرک کمی داشته‌اند؛ چراکه این امر باعث دگرگونی خون از جمله خون‌دماغ، انواع ورم و دمل و جوش، احساس خواب‌آلودگی و برخی از انواع سرفه می‌شود. خوردن گرمی‌ها در بهار (بخصوص آجیل‌ها) و تحرکات زیاد این بیماری‌ها را تشدید می‌کند. بهترین کار در بهار (بهار طبی) کم کردن خون از طریق حجامت، فصد و کم خوردن و کم نوشیدن است. به همین دلیل میوه و خوراکی خاصی در بهار نیست (البته

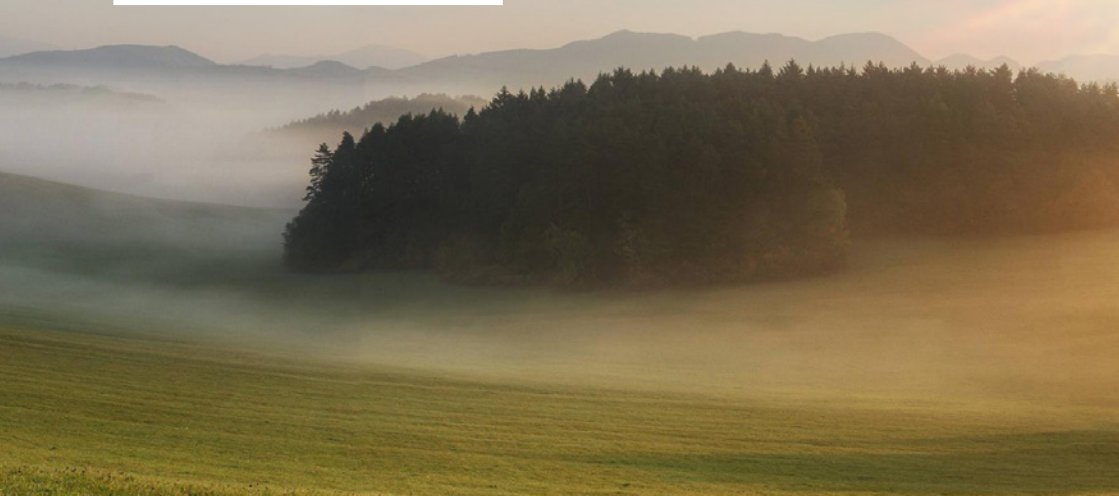


بیشترین بیماری‌ها را به ارمغان می‌آورد که از جمله انواع سرطان‌ها، دردهای مفصلی، مشکلات ادراری، دردهای سیاتیکی، کندی حرکات روده‌ها، بیماری‌های ریوی، درد کمر و ران‌ها، ضعف نیروی هاضمه و دفع و در نتیجه افزایش شیوع کرم‌های گوارشی را می‌توان نام برد. این فصل باعث در دسر افراد سوداوی است.

🕒 **زمستان:** زمستان برعکس تابستان است، پس مدت هریک از بهار و پاییز نزد طبیبان، کمتر از مدت هریک از تابستان و زمستان است.^۴ در این فصل، گرما به درون بدن می‌رود؛ مصرف میوه کم می‌شود؛ مردم، بیشتر غذاهای سبک می‌خورند؛ بعد از غذا

خشک است و طبع فصل تابستان هم گرم و خشک است که باعث مضاعف شدن گرمی و خشکی در بدن این افراد می‌شود. باید از جنب‌وجوش زیاد و فعالیت زیاد و ورزش‌های سنگین اجتناب کنند و از خنکی‌های مرطوب معتدل مثل هندوانه، خیار و... استفاده کنند تا از گرمی و خشکی تنشان کاسته شود و دچار عوارض این فصل نشوند.

🕒 **پاییز:** در این فصل، طبع هوا تغییر می‌یابد؛ خلط‌های سوخته در تابستان، به دلیل سرد شدن هوا، در بدن حبس می‌شوند و مصرف میوه نیز افزایش می‌یابد؛ به همه این دلایل، پاییز،



از بخاری و شوفاژ، هوا را گرم می‌کنیم. گرم کردن هوا خلاف طبیعت است. لذا این هوا به ریه، قلب، مغز نمی‌رسد و مغز در زمستان به درستی کار نمی‌کند و گردش خون به درستی میسر نیست؛ سکتته‌های مغزی در زمستان در این شرایط بیشتر اتفاق می‌افتد. اتاق خواب باید خنک باشد و برای گرم کردن خود، زیر کرسی بروید یعنی تنفس سرد باشد ولی بدنتان، پاهایتان گرم باشد. امروزه بسیاری از کمردردها و زانودردها به علت استفاده نکردن از کرسی است. علت اینکه بسیاری از بیماری‌ها در تابستان و زمستان برای ما به وجود

استراحت می‌کنند و به وسایل گرمازا پناه می‌برند؛ به همین دلیل در زمستان، دستگاه گوارش، بهترین حالت را دارد. اکثر بیماری‌های این فصل، بلغمی (سرد و تر) هستند مثل ورم‌های سفید، زکام، ذات‌الریه، گلودرد، درد پهلو و پشت، سردرد، بیماری‌های عصبی (به‌ویژه افسردگی)، سکتته و صرع.

خشکی پوست در زمستان شایع است، لذا بدترین فصل برای بلغمی مزاج‌هاست.^۵

در زمستان هوای منزل را گرم نکنیم

در قدیم در خانه‌ها، کرسی استفاده می‌کردند، امروزه در زمستان به جای اینکه بدن را گرم کنیم (با خوراکی گرم، روغن مالی بدن و لباس گرم و کرسی و...) با استفاده



در بدن هر سال انباشته می شود و در عروق باعث انسداد، در قلب باعث سکتة قلبی و در مغز باعث سکتة مغزی می شود. حتی باد کولر خودرو که به بدن می خورد (به ویژه کسانی که زیاد رانندگی می کنند و بیشتر در معرض هوای کولر خودرو هستند) باعث بیماری های سرد، به ویژه در اندام پایین تنه و گرفتگی ماهیچه های دست و پایی که باد می خورد می شود.

ادامه دارد...

می آید؛ این است که ریه ی خود را عادت به گرما و سرما نداده ایم و با کوچک ترین سرمای؛ ریه دچار مشکل و باعث سرفه و خلط پشت حلق و... می شود.

در تابستان هوای منزل را سرد نکنیم

در تابستان وقتی به تن، هوای گرم نمی دهید این گرما در داخل بدن وجود ندارد؛ لذا این گرما به تن فشار نمی آورد تا فضولات بدن خارج شود. وقتی عرق کردن اتفاق نیفتد بلغم (سردی و تری) دفع نشده

پی نوشت

۱. به شرطی که هوای خارج از خانه پاک و تمیز باشد و اگر غبار و دود و... بود هوای داخل خانه برای تنفس بهتر از هوای بیرون است.
۲. قانون در طب، ابوعلی سینا، کتاب اول، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ سروش، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۹۷.
۳. همان، ص ۱۹۹.
۴. در تقویم نجومی هر فصل سه ماه به طول می انجامد، اما نزد طبیبان ممکن است یک فصل بیشتر یا کمتر از سه ماه باشد.
۵. علت و درمان بیماری ها، مجید برزو نژاد، چاپ هفتم، پاییز ۹۶، ص ۹۱.
۶. همان، ص ۱۹۲.

آسیب‌های فضای مجازی را بشناس

(روابط همسران ۱)

محمد کهنوند

کارشناس رسانه و فضای مجازی



آسیب‌های فضای مجازی بر روابط همسران

برخی گمان می‌کنند که آسیب‌های فضای مجازی و شبکه‌های مرتبط با آن مختص فرزندان است در حالی که اگر والدین نیز از این فضا به درستی استفاده نکنند، دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهند شد که در ادامه به بخشی از این آسیب‌ها اشاره می‌کنیم.

با ورود فناوری و وسایل ارتباط جمعی به درون خانواده‌ها، ارزش‌های اجتماعی آن‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و این امر موجب شده تا شاهد بروز تغییراتی در رفتار و گفتار خانواده، به‌ویژه نسل جوان باشیم. شبکه‌های اجتماعی و اینترنت در کنار مزایای فراوان، آسیب‌های متعددی به همراه دارد که اصلی‌ترین آن‌ها تغییر سبک زندگی و شکستن مرزها، باورها و ارزش‌ها به‌خصوص در میان خانواده‌ها و به‌خصوص جوانان و نوجوانان است، جوانان و نوجوانانی که قرار است پرورش‌دهنده‌ی نسل‌های بعدی باشند. در این نوشتار به بیان برخی از آسیب‌هایی که روابط همسران را هدف گرفته‌اند، می‌پردازیم.

دسترسی به محتوای غیراخلاقی



کاهش ارتباط کلامی زوجین

یکی دیگر از آسیب‌ها، کاهش گفت‌وگو بین اعضای خانواده؛ از جمله زن و شوهر است. بی‌تردید مهم‌ترین پیامد عدم گفت‌وگو بین اعضای خانواده به‌خصوص میان همسران؛ ایجاد سوءتفاهم، احساس نارضایتی، درماندگی، تنهایی و افزایش تعارض میان اعضای خانواده است. با وقوع چنین مسائلی زن و شوهر از نظرفیزیکی کناریکدیگرهستند؛ اما ذهن آن‌ها در حال دور شدن از یکدیگر است

شبکه‌های اجتماعی غیربومی که محدودیت‌های بسیاری برای نشر محتوای دینی و انقلابی بر کاربران ایرانی تحمیل می‌کنند، انتشار محتوای غیراخلاقی را آزاد گذاشته و زمینه بروز آسیب‌های بسیار زیادی را مهیا می‌سازند. در حقیقت تمام آسیب‌های ناشی از فضای مجازی بر روابط والدین، عمدتاً به دلیل دسترسی آنان به انواع محتوای غیراخلاقی اعم از دعوت افراد به داشتن روابط خارج از چارچوب شرع و عرف تا تصاویر غیراخلاقی است.



اینکه زن و شوهر در ساعات حضور در خانه، به جای گفت‌وگو با یکدیگر، گوشی تلفن در دست، کانال‌ها و گروه‌های شبکه‌های اجتماعی خود را مرور کنند، به رفتاری عادی تبدیل شده و حتی به جمع اقوام و دوستان نیز سرایت کرده است. طبق آمارهای ارائه‌شده روزانه افراد بین ۳ تا ۱۲ ساعت درگیر فضای مجازی هستند که موجب شده میانگین گفت‌وگو بین زوجین به هفده دقیقه در روز برسد!

ایجاد شک و بدبینی بین همسران

دسترسی آسان به محتوای ضد اخلاقی در خانواده، نقطه‌ی آغاز کدورت‌ها و مشکلات خانوادگی به شمار می‌آید. زن و شوهر با علم به اینکه در محیط اینترنت، می‌توان به سادگی و در کمترین زمان به محتوای نامناسب دسترسی پیدا کرد، با کمترین رفتار مشکوک و پنهان‌کاری از جانب همسر خود، نسبت به او دچار شک و بدبینی و سوءظن می‌شوند. کافی

و دوست داشتن‌ها به تدریج به سمت خنثی شدن و عدم دوستی پیش می‌رود و گاه به جایگزین شدن دوستی‌های دیگر و گاه روابط خارج از عرف منجر می‌شود، به‌ویژه آنکه ایجاد فضاهای جدید اینترنتی بستری برای ارتباط زنان و مردان شده و ممکن است افراد را به ارتباط‌های حقیقی و خارج از این فضا سوق دهد و مشکلات پرشماری را به وجود آورد. متأسفانه گستردگی این آسیب به حدی است که خانواده‌های بسیاری را درگیر کرده است.





می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا
كثيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا
تَجَسَّسُوا ...»^۳؛ ای کسانی که ایمان
آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید،
چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و
هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید.
بر پایه‌ی این آیه‌ی شریفه، به‌جای آن‌که
رفتار همسر و اطرافیان به بدترین
احتمال ممکن تفسیر کنیم، دوستی
و محبت اقتضا می‌کند برای رفتارهای
نادرست نیز تفسیر نیکو داشته
باشیم. لذا در روایات دستور داده شده
که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه

است طرف دوم نیز از سر لجاجت، عوامل
شک‌برانگیز را برطرف نکند که در این
صورت دامنه‌ی اختلاف و درگیری بین
زوجین گسترده‌تر شده و حتی می‌تواند
زمینه طلاق و جدایی را فراهم کند.
تحقیقات گسترده‌ای که گروهی از اساتید
رشته ارتباطات آمریکا انجام داده‌اند نشان
می‌دهد از هر سه طلاق، منشأ یکی از آن‌ها،
پنهان‌کاری در فضای مجازی بوده است.^۴

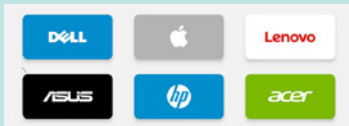
**برای جلوگیری از این آسیب (ایجاد شک و
بدبینی) توجه به چند نکته ضروری است:**

① اسلام از شک و بدبینی نسبت به
یکدیگر نهی کرده است. قرآن کریم



لپ‌تاپ و سایر تجهیزات ارتباطی سایر اعضا را داشته باشند. بدون شک رمز نگذاشتن بر روی گوشی در درون خانواده این پیام را به فرزندان منتقل می‌کند که همان‌گونه که گوشی ما پاک و سالم است و یا رمز گوشی ما در اختیار شما قرار دارد، شما نیز در آینده باید این‌گونه رفتار و عمل کنید.

نکته مهمی که لازم است درباره‌ی حریم خصوصی گفته شود آنکه، پنج گروه به تمام اطلاعات دستگاه‌های ارتباطی؛ از جمله اطلاعات گالری، کارت حافظه، دوربین گوشی، میکروفون و ضبط صدا بدون محدودیت دسترسی دارند.



اول: شرکت‌هایی که سخت‌افزارهای ارتباطی را تولید می‌کنند؛ سامسونگ، ال‌جی، شیائومی، هواوی، اپل، ایسوز، اچ‌پی و....

ممکن حمل‌کن تا دلیلی برخلاف آن ارائه شود و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمان صادر شده گمان بد مبر، تازمانی که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی.^۲

اعضای خانواده به‌خصوص پدر و مادر وظیفه دارند عوامل بدبینی و سوءظن را شناسایی و از میان بردارند. به‌عنوان نمونه، زن و شوهری که گوشی تلفن خود را حریم خصوصی دانسته و با گذاشتن رمز عبور، اجازه دسترسی دیگری به آن را نمی‌دهند، علاوه بر اینکه سوءظن طرف مقابل را برمی‌انگیزانند، باعث می‌شوند فرزندان نیز با دیدن این رفتار پدر و مادر، در صورت داشتن گوشی، رمز آن را از والدین مخفی کنند؛ بنابراین منظور از شعار «حریم خصوصی»، محیط خانواده نیست بلکه هریک از اعضای خانواده باید امکان دسترسی به گوشی،

و اطلاعات محرمانه اداری و غیر اداری دسترسی داشته باشند اما برای همسر قابل دسترسی نیست؟! در حقیقت مشخص است نوع تعامل همسران با دستگاه‌های ارتباطی نادرست بوده که موجب می‌گردد چنین وضعیتی به وجود آید. باید در اطلاعاتی که در دستگاه‌های ارتباطی ذخیره شده است به گونه‌ای تجدیدنظر شود که همسران بتوانند به آسانی به تلفن همراه یکدیگر دسترسی داشته باشند. به عنوان مثال خانم خانواده نباید تصاویر بدون پوشش شرعی از خواهر یا سایر نامحرمان با همسر خود را در تلفن همراهش ذخیره و به اشتراک بگذارد.

ادامه دارد...

دوم: شرکت‌هایی که سیستم عامل دستگاه ارتباطی را تولید می‌کند: مایکروسافت «ویندوز»، بلک‌بری «بلک‌بری»، گوگل «اندروید»، اپل «آی‌اواس و مکینتاش».

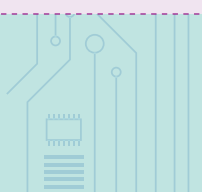
سوم: شرکتی که نرم‌افزاری را به عنوان یک خدمت در اختیار کاربران قرار داده است؛ پیام‌رسان، شبکه اجتماعی، موتور جستجو، بازی‌های ویدئویی و....

چهارم: اپراتورها و ارائه‌دهندگان اینترنت که تمامی فعالیت‌های درون‌گوشی را ثبت می‌کنند.

پنجم: سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا این پنج گروه می‌توانند به عکس و فیلم

پی‌نوشت

۱. میانگین هم‌کلامی همسران: ۱۷ دقیقه در روز! - سلامت نیوز (salamatnews.com) ۱۳۹۴/۴/۱.
۲. رابطه‌ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق، مشرق نیوز (mashreghnews.ir)، لینک خبر: mshrgh. (۹۰۵۱۱۶/۱۲).
۳. حجرات/۱۲.
۴. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «صَغَ أَمْرُ أُخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَنْظُرَنَّ بِكَلِمَةٍ حَرَجْتَ مِنْ أُخِيكَ شَوْءًا وَأَنْتَ تُجِدُّ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَخْمَلًا؛ رفتار برادرت را به بهترین وجه آن تفسیر کن، تا زمانی که کاری از او سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچ‌گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید تا وقتی برای آن توجیه خوبی می‌یابی، گمان بد مبر.» (الکافی، ج ۲، ص ۳۶۲).





همراه همدل

زهرا نجاتی - دانش آموخته سطح ۲ مطالعات زنان

زل زده بود به چشم‌هایت. زیر نور لامپ کوچه؛ اشک‌هایش را دیدی.

دستت میان دست‌هایش بود. بار اولش نبود. بارها برایت از چیزهایی که فکر می‌کرد،

از احوال معنوی اش، از قفسی گفته بود که تو و میثم کوچکش را در آن می‌دید. می‌گفت

دیده که بی‌قراری. دیده و شنیده که میثم با خودش فکر می‌کرده: «چرا پدرم در حق ما

کم‌کاری می‌کند!»

اما خب از نظرش عدالت حکم می‌کرد که میثم هم مثل خیلی از بچه‌های دیگر، بابایش

نباشد. می‌گفت: «دعا کن، هم من از این قفس رها شوم، هم خدا با همه مهربانی‌اش،

بشود مسئول بزرگ کردن میثم!»



وقتی نبود، میثم همان حرف‌ها را به تو می‌زد، اما تو حواسش را پرت می‌کردی.

از خدا حافظی که گفت، تو پرت شدی به روز خواستگاری.

بار اول را نمی‌گویم که از حجب و حیا همدیگر را پیدا

نکرده بودید. بار دوم که یکدیگر را دیدید و عباس برایت

از زن آینده‌اش گفت. از اینکه می‌خواهد همسرش

در جمع دوست و آشنا مؤثر باشد نه منفعل. اینکه

تحصیلات حوزوی داشته باشد!

مهریه‌ات را یک جلد کلام‌الله مجید و تفسیر المیزان قرار داده بودی که هنوز کامل نوشته نشده بود.

از همان روز از عباس خوشتر آمده بود و حالا تقاص عشقی را می‌دادی که از اول ضلع سومی داشت. این را موقعی دقیق حس کردی که صاحب‌خانه جوابتان کرده بود. میثم چند ماه بیشتر نداشت. مادرش جلوی عباس را گرفت که:

– نمی‌گذارم بدون اینکه اوضاع زندگی‌ات را درست کنی، بروی.

تو کمی عقب‌تر فقط نگاه می‌کردی. عباس مثل همیشه خوش‌پوش، اتوکشیده، سراغ طاقچه رفت. قرآن را برداشت. مقابل مادر گذاشت و خواند:

– مبدا اموال، اولاد و همسرانتان، مانع جهاد شما در راه خدا شوند!

تو خودت کسی بودی که از بعد روز ازدواجت تا آخر اقامت دانشجویان پیرو خط امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در لانه‌ی جاسوسی،

اینکه باحجابش، روی بقیه تأثیر بگذارد. تو سر حجاب شوخی نداشتی. جدی بودی خیلی زیاد. از همان روزها که تصمیم گرفتی یک زن محجبه باشی، آرزوی مردی مثل عباس را کرده بودی اما عباس آستین‌کوتاه می‌پوشید. شیک‌پوش بود و جذاب. خدا هم زیبایی خاصی به او داده بود. از او خواستی آستین‌کوتاه نپوشد. دلت نمی‌خواست به مرد انقلابی‌ات، ذره‌ای برچسب بزنند. عباس هم مُجاب شد؛ اما همان‌طور خوش‌پوش ماند.

درخواست مهم دیگرش این بود که دوست دارد مراسم عروسی‌اش، خیلی ساده باشد و دوست دارد همه زندگی‌اش را خودش بسازد. بدون هرگونه کمک مالی. تمام خرج حلقه و عروسی سی هزار تومان شد. دو هزار و پانصد حلقه‌ای بود که تو را «شمیه‌اش» کرد، البته «حاج‌خانم» صدایت می‌زد. حلقه خودش را هم با خرج خودش خرید. عقدتان را هم که امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ خواند.

خود آمدی، نه ناهار خورده بودی نه حتی نماز خوانده بودی! شب وقتی به خانه رسیدی، چشم‌های میوه‌دلت (میثم) پراز اشک بود. از صبح تا شب تو را ندیده بود. دل‌تنگش بودی. او را در آغوش گرفتی و همین‌طور که اشک دل‌تنگی می‌ریختی، به همه مادرهایی فکر می‌کردی که زیر موشک‌باران، بچه‌هایشان را از دست می‌دادند. به این می‌اندیشیدی که این عزیز دلت هم قرار است مثل عباس، مرد میدان باشد.

خوب بلد بود تو را توجیه کند. با همان نامه‌هایی که در همه‌شان «حاج‌خانم» خطابت می‌کرد و تو را مثل یک کیبوتر می‌دانست. توهم خیلی خوب خودت را در سه‌ضلعی «عباس، خدا و سمیه» جا کرده بودی. میان تو و عباس، همیشه خدا، ضلع سوم عاشقی بود.

عباس در کل خوب بلد بود آدم‌ها را توجیه کند. شده بود دست راست

کنارش ماندی. همان‌جای دخترها، بافتنی یاد گرفتی و برای عباست بلوز بافتی. دانه‌دانه‌اش را با عشق سرهم کردی.

وقت‌هایی، میانه جنگ، تو را با خود می‌برد، اما آن اوایل سه‌خانه‌سازمانی بیشتر نبود. نوبتی می‌رفتید و می‌آمدید. کم‌کم که خانه‌ها بیشتر شدند هم، نهایت سهم تو گاهی یک ماه پیش او ماندن بود. برایت مهم نبود کجا هستی. می‌خواستی کنارش باشی. انگار اگر در شهری که او نفس می‌کشید نفس بکشی، باد عطرش را برایت می‌آورد.

تو آدم عرصه‌های سخت بودی. این را ثابت کردی. از همان روزهای خرید تا روزهایی که حسرت نبود عباس، آتشت می‌زد و تو تمام‌وقتت را با کارهایی برای جنگ پر می‌کردی. یک‌بار آن روزها که هنوز میثم عادت نکرده بود از تو دور باشد، آن‌قدر در بیمارستان مشغول رسیدگی به مجروحین شدی که وقتی به

کردند. یکی در خانه، با صبر و تربیت
فرزند و پشتیبانی‌ها و دیگری با حفظ
وطن و جنگاوری‌اش.

تاریخ این انقلاب که نه!، تاریخ اسلام به
یاد دارد لحظه‌لحظه‌هایی را که مادران،
گهواره‌هایشان را باهدف پرورش نسلی
جهادگر، انسان‌ساز و صاحب علم و
عمل جنابانند. مادرانی چون سمیه، که
پذیرفت همسرش را راهی دفاع از حریم
عفت و خاک کند، اما خودش فرزندش
را زیر سایه مسئولانه‌ی خدای عباس
پرورش دهد. این همراهی ستودنی،
درک بالا و زمان‌سنجی، از او همراهی
همیشگی ساخت از سربازی تا سرداری
شهید عباس ورامینی.

شهید عباس ورامینی، میوه‌فروش زاده‌ی
پاچنار بود. هم‌محل با جلال آل احمد
و خیلی از بزرگان انقلاب که پای منبر
علمای اسلام بزرگ شد. هیئت‌دار بود
و «عباس علمدار»، صدایش می‌زدند.

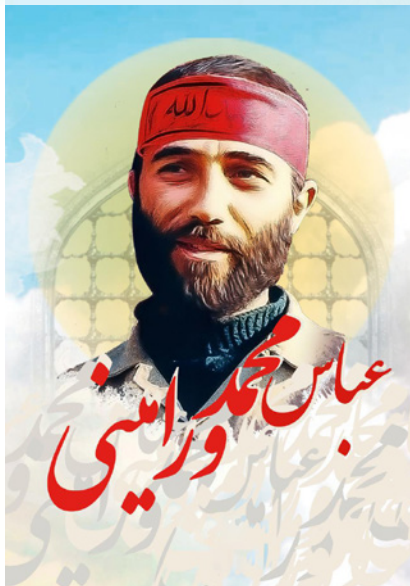
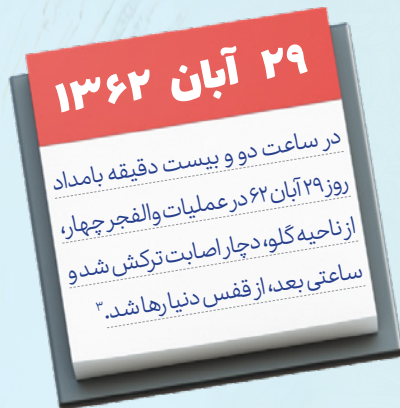
حاج همت. آن‌قدر به او نزدیک شد که
توانست او را راضی کند تا برای اولین
بار کمتر از بیست و چهار ساعت قبل
از عملیات، به دیدن میثمت بیاید.
بیست و چهار ساعت نشده، برگشت
و دوباره روبه روی حاجی ایستاد. اول
با التماس، بعد با گریه با بغض و بعد
حتی با حاجی دست‌به‌یقه شد.
- این بار دیگر باید بروم. دیگر نمی‌شود
بمانم. چیزی به دلم الهام شده.

حاجی که اجازه داد، عباس از

قفس رها شد.^۲

آنچه خواندیم سرگذشتی از همسر
و همراه زندگی **سردار شهید عباس**
ورامینی بود. از زمانی که سربازی ساده
بود، تا وقتی به درجات بالای اطلاعات
سپاه رسید. این دو کنار هم رشد
کردند؛ باهم بال گشودند. باهم در لانه
جاسوسی، نگهبانی دادند، باهم مبارزه

عملیات و بعدها مسئول آموزش بسیج تهران، مسئول ستاد عملیات و اطلاعات سپاه شد.



پدرش یتیم بزرگ شده بود اما همیشه سفره **اهل بیت** علیهم السلام و هیئتش به راه بود. همیشه خوش تیپ و منظم و شیک پوش و واکس زده بود، نظم و تیپ نظامی اش، او را برای همه یک مدیر نظامی قوی، معرفی می کرد. در ماجرای لانه جاسوسی، مسئول آموزش، مین گذاری اطراف لانه برای تأمین امنیت، صحبت با امام خامنه ای مد ظله و دریافت امکانات، مسئول ارشد تیم



پی نوشت

۱. اشاره به آیه ۲۴ سوره توبه دارد. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»؛ بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی و کسادیش می ترسید و خانه هایی که به آن ها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند.
۲. برگرفته از تاریخ شفاهی دانشجویان پیرو خط امام مد ظله، حسین جودوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۳. در هیاهوی سکوت، جواد کلاله عربی، مرکز مطالعات پژوهشی ۲۷ بعثت، ۱۳۹۷.

چی! خونیم؟

ه. سیدتقی - دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ حوزه علمیه رشته فلسفه اسلامی و دکتری مدّرسی معارف

معرفی اجمالی کتاب «همسر دوست داشتنی» و برگزیده‌ای از متن کتاب؛

کتاب «همسر دوست داشتنی»، توسط دکتر مهدی خدّامیان آرائی تألیف و توسط انتشارات وثوق به چاپ رسیده است. این کتاب در نظر دارد برای زندگی بهتر و سرشار کردن محیط خانواده، از عشق و صمیمیت؛ توصیه‌هایی ارائه دهد. افراد جامعه، همان‌گونه که برای به عهده گرفتن یک شغل، ورود به عرصه‌های مختلف و ناشناخته و... نیاز به آموزش دارند، برای ورود به زندگی زناشویی نیز نیازمند آموزش هستند. علاوه بر این آموزش، برای یک فرد مسلمان، نگاه و اعتقادی که به این رابطه زناشویی دارد باید موردتوجه باشد. در صورتی که نگاه هر یک از همسران، نگاهی الهی بوده و

همسر داری را برای رضایت خداوند فرا گرفته و انجام دهند، آنگاه می‌توانند زندگی سالم و صالحی تشکیل دهند که در آن کمک دهنده‌ی همدیگر، برای رسیدن به رضایت الله باشند.

این کتاب درصدد است هر دو هدف را محقق نماید: هم نگاه صحیح و برخاسته از اعتقادات داشتن و هم آموزش داشتن یک رابطه‌ی خوشایند و متعالی. به همین منظور، شرایط متفاوتی که ممکن است میان همسران ایجاد چالش کند؛ مورد بررسی قرار گرفته و رفتار صحیح را بر پایه‌ی درک متقابل و آشنایی با روحیات طرف مقابل، آموزش می‌دهد. همچنین مواقعی که ممکن است در



فصل دوم اختصاص به بانوان دارد. در این فصل خانم‌ها می‌توانند آنچه برای بهتر شدن زندگی و گرم‌تر شدن کانون خانواده نیاز است را فراگیرند؛ هرچند توصیه مؤلف کتاب، خواندن هر دو فصل توسط همسران است.

مؤلف در جای جای کتاب، در ضمن اشاره به «**موارد رفتاری**»، «**سعی در ایجاد باورهای صحیح**» را نیز گنجانده است: «ما عادت کرده‌ایم به هرکسی که به کاری مشغول است، خسته نباشید می‌گوییم... ولی من به جای خسته نباشید، چنین می‌گویم: عبادتت قبول!» و در ضمن این کلام و مثال، بیان می‌کنند که عبادت منحصر در نماز و روزه نیست و کمال و سعادت انسان این است که تمام کارهایی که انجام می‌دهد را برای رضای خداوند و برای اثبات عبد بودن خود انجام دهد. در این شیوه تفکر، همسررداری و رسیدگی به خانواده و تلاش برای آن‌ها نیز، طبق احادیث وارده از

ظاهر بحران به نظر برسند ولی با مدیریت درست می‌توانند تبدیل به موقعیتی برای صمیمیت بیشتر و همدلی میان زوجین شوند را مطرح و رفتار عاقلانه و عاشقانه را با استفاده از نگرش توحیدی ارائه می‌دهد.

محتوای کتاب:

این کتاب که در ۱۲ صفحه به چاپ رسیده، در دو فصل مطالب را دسته‌بندی نموده است: در **فصل اول** خطاب به آقایان، نکاتی که می‌توانند با رعایت آن‌ها، مرد بهتری برای همسرانشان باشند را طرح می‌نماید.



راهکارهای این کتاب مبتنی بر تعالیم اسلام است. راهکارهایی که می‌تواند حس زیبای کنار هم بودن را، همان‌گونه که موردپسندِ اله است، رقم بزند.

سخن آخر:

داشتن خانواده‌ای سالم و شاد، خواسته بسیاری از خانواده‌هاست؛ به‌ویژه آنان که در زندگی با چالش‌های ارتباطی مواجه بوده و به دنبال راهکارهایی هستند. این کتاب باهدف بهبود شرایط خانوادگی، تألیف و به چاپ رسیده و امیداست بتواند گامی برای نزدیک کردن افراد به خداوند، از طریق اهمیت به خانواده ایجاد کند. خواندن آن را به تمامی افرادی که دغدغه‌ی خانواده اسلامی و سبک زندگی اسلامی را دارند، توصیه می‌کنیم.

اهل بیت علیهم‌السلام، عبادت محسوب می‌شود. درواقع مؤلف اولین گام برای بهبود روابط را با تغییر نگاه برمی‌دارد: با تلاش برای خانواده، عبادت کرده‌ای! مبدا عبادت خود را خراب کنی! همچنین نویسنده با استفاده از سخنان ائمه معصومین علیهم‌السلام یادآور می‌شود که نشانه‌ی قبولی زیارت نیز، افزوده شدن توفیق خدمت به خانواده است.

درواقع کسی که بخواهد دین‌داری را تمام و کمال داشته باشد، نمی‌تواند نسبت به خانواده‌ی خود بی‌تفاوت و یا بداخلاق باشد. بلکه علاوه بر تلاش برای بهبود شرایط خانواده از گفتار زبانی نیز غافل نشود تا جایی که: «همسرم دوستت دارم را نیز به‌عنوان یک برنامه دینی خود محسوب نماید.»^۲

پی‌نوشت

۱. ص ۸ همین کتاب.

۲. ص ۱۷ همین کتاب.

طرح مددکاری (۳۱۳)

احمد اسماعیلی

دانش‌آموخته‌ی سطح ۲ حوزه علمیه قم



یکی از طرح‌های موفق‌ی که همسران طلاب و مبلغان می‌توانند در آن حضور فعال داشته باشند، طرح ۳۱۳ است که در ادامه به معرفی آن می‌پردازیم.

ایجاد ارتباط مستمر و مؤثر روحانیون با خانواده‌های مورد حمایت کمیته امداد با محوریت مسجد طراحی شده است. در مرحله اول اجرای این طرح ۳۱۳ مسجد، در روستاهایی که روحانی هجرت سکونت دارد با شاخص‌هایی انتخاب می‌شوند. در ادامه اطلاعات خانواده‌های تحت حمایت جهت اجرای برنامه، از کمیته

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه و معاونت امور فرهنگی کمیته امداد امام خمینی رحمة الله علیه با راه‌اندازی شبکه مددکاری دینی (طرح ۳۱۳) تلاش می‌کنند تا در راستای محرومیت‌زدایی از اقشار محروم قدم‌هایی بردارند. علت نام‌گذاری این طرح، اعزام ۳۱۳ مبلغ به نیت تعداد یاران امام زمان عجل الله است و جهت

- ۲) حرکت در راستای اجرای فرمایشات امام خمینی رحمة الله علیه و مقام معظم رهبری حفظه الله؛
- ۳) حفظ شأن و جایگاه حوزه و مبلغان؛
- ۴) تکریم و حفظ حرمت و اسرار خانواده‌ی مددجویان؛
- ۵) عدم تحمیل بار مالی بر حوزه؛
- ۶) استفاده حداکثری از مبلغان متخصص و آموزش دیده.

هدف طرح

تأثیرگذاری مطلوب دینی بر خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد و رفع آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.

سیاست‌ها:

- ① توجه به آیات نورانی قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام؛

برنامه‌های طرح:

طرح ۳۱۳ از دو برنامه ذیل تشکیل شده است:

۱- فلاح

برگزاری مجالس مذهبی در منزل خانواده‌های تحت حمایت جهت تقویت منزلت اجتماعی آنان.

۲- طیب دوار

سرکشی از خانواده‌های مورد حمایت، توسط روحانی^۱ جهت رفع مسائل و مشکلات فرهنگی و معیشتی از طریق



در اختیار قرار دادن اطلاعات خانواده‌های
مورد حمایت به مبلغان؛
پیگیری گزارش‌ها و پیشنهادهای
روحانیون در رابطه با مددجویان.

وظایف معاونت‌ها:



۱ وظایف معاونت تبلیغ و امور فرهنگی

حوزه‌های علمیه نسبت به اجرای طرح ۳۱۳:

ساماندهی و اعزام روحانیون جهت
برگزاری مجالس خانگی؛

برگزاری دوره و کارگاه آموزشی؛

توجیه روحانیون نسبت به اجرای طرح؛

نظارت بر حسن انجام کار مبلغان طرح؛

بازخوردگیری و رفع نواقص و مشکلات

طرح هر سه ماه یک بار.

۲ وظایف کمیته امداد نسبت به اجرای

طرح ۳۱۳:

توجیه خانواده‌های مددجو؛

معرفی رابط کمیته و مبلغان جهت

هماهنگی‌های بیشتر؛

پرداخت هزینه‌های اجرای طرح به

معاونت تبلیغ؛

فرآیند اجرایی:

برای اجرای طرح مراحل ذیل انجام می‌شود:

۱ رصد و شناسایی روستا

برای اجرای طرح در روستای مورد نظر،

شاخصه‌های ذیل در نظر گرفته می‌شود:

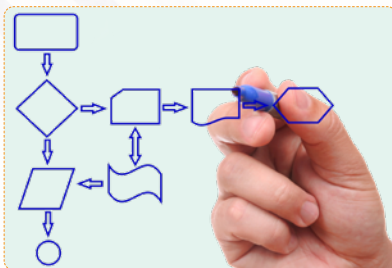
پرجمعیت بودن روستا و فراوانی مددجو؛

وجود روحانی طرح هجرت در روستا؛

توانمندی روحانیون در اجرای طرح

طبق ارزشیابی‌های معاونت تبلیغ و امور

فرهنگی حوزه‌های علمیه.



نظارت معاونین محترم تبلیغ استان، هر سه ماه یکبار؛
نظارت موردی از سوی ستاد.

۲ پیگیری مالی

فعالیت‌های موردنظر در این طرح توسط مبلغان محترم هجرت انجام می‌شود. از این رو حق الزحمه مبلغین از طریق مدیریت هجرت و مسجد و در چارچوب هجرت پرداخت می‌شود؛ البته به دلیل مشارکت همسران مبلغان در اجرای طرح؛ هدایایی نیز به آنان تقدیم می‌گردد.



«همسران مبلغانی که تجربیاتی در اجرای این طرح دارند، تجربه‌های خود را به دفتر ماهنامه ارسال بفرمایند. تجربیات برتر در ماهنامه منتشر شده و به افراد برتر نیز هدایایی تقدیم خواهد شد.»



پی‌نوشت

۱. در این برنامه نقش همسران مبلغان می‌تواند بسیار کمک کننده باشد.
۲. منظور از درگاه‌های کنترل شده؛ کانال، سایت و ... است

آموزش و توانمندسازی مبلغ پس از انتخاب مبلغ و روستا، جهت اجرای مطلوب طرح نیاز به آموزش‌های تخصصی و توانمندسازی مبلغان است. سرفصل‌های آموزشی و روش اجرا از سوی مدیریت تبلیغ تخصصی معاونت تبلیغ اعلام می‌گردد.

شبکه‌سازی

به منظور تبادل محتوا، اطلاعات و انتقال تجارب مبلغان موفق از طریق درگاه‌های کنترل شده^۲، اقدام می‌شود.

۱ نظارت و ارزیابی

فعالیت‌های مبلغان به صورت‌های ذیل مورد نظارت و ارزیابی قرار می‌گیرد:

نظارت معاونین محترم تبلیغ شهرستان، هرماه یکبار؛



دختر خاتم‌ها بخوانند...

فاطمه آینی غفاری... دانش‌آموخته سطح ۳ مطالعات اسلامی زنان



خانه پدری

این از بالشت، اینم از ملافه...

یه پتوی کوچیک مسافرتی هم برات می‌ذارم که یه وقت هوا سرد نشه و سرما بخوری. چه بقیچه‌ای برام پیچیده بود. گرهی پاپیونی و یه مقدار خرما

خشک و تنقلات و یه وعده سحری که طبق معمول غذای موردعلاقه‌ام بود. قیمه! به مادرم گفتم: «آخه مادر من، مگه قراره اردو برم این‌همه برام باروبنه چیدی؟ می‌خوام برم یه چند شب

که اصلاً خوش نمی‌گذره. تازه تندتند
سحری خوردنامون تو سال‌های اول که
خواب می‌موندم و دیگه چند دقیقه به
اذان صبح مثل فشنگ می‌پریدیم و چند
تا قاشق سحری می‌خوردیم. همشون به
لحظه از ذهنم گذشت. تو خاطراتم بودم
که مادرم گفت: «دیر نکنی دخترم. جاها پر
میشه و در مسجد و می‌بندن.»

به خودم اومدم و ساک و وسایلم و
برداشتتم و با پدرم راهی مسجد جامع
شهرمون شدیم. تو راه با خودم هی فکر
می‌کردم کجای مسجد برم برای خودم و
دوستان جا نگه دارم؟ با خودم وسایلم رو
مرور می‌کردم چادر نماز و تسبیح برداشتم؟
قرآن چطور؟ ای وای کارت اعتکافم! شروع
کردم جیب کیفم و گشتم، پیداش کردم،
یه نفس راحت کشیدم.

دوباره یاد خاطرات سال‌های قبل افتادم
که هرکی برای خودش چادر و ملافه
اضافه می‌آورد آخه از وسط ستون‌ها طناب

مهمون خدا بشم اگه می‌خواستم مثل
خونه پذیرایی بشم که مهمون و معتکف
مسجد نمی‌شدم!»

مامانم گفت: «عیب نداره مادر جان وسط
دعاهات یاد محبت‌هایم می‌افتی و منو
دعا می‌کنی.» و باز هم به کار خود ادامه داد،
یک ساک بزرگ و یک بچه که نمی‌دانستم
چرا باید برای این سه روز این همه وسیله
برای خود بردارم؟! کمی تو خودم احساس
بزرگی کردم و به مادرم گفتم: «مامان عزیزم
من می‌خوام سه روز برم مسجد که یه طور
دیگه زندگی‌کنم مثلاً می‌خوام برم که از دنیا
دورباشم می‌خوام برم یکم سردی، یکم
شب‌بیداری و یکم نور مهتاب تو آسمون
سحر ماه رجب ببینم.»

البته تو دلم با خودم گفتم دروغ نباشه،
دوستام که نباشن اصلاً مزه نمی‌ده.
شیطنت‌های دم افطار پری و زهره و من،
با غش و ضعف‌هامون و وای یه عالمه آب
خوردن‌ها و بعدم سفارشات افطار نباشه

می‌شدن. یاد خودم افتادم، بار اولی که
اومدم اعتکاف. درکشون می‌کردم اما ته
دلتم بهشون می‌خندیدم که چند سال
دیگه خودشون یاد این لحظه‌ها میفتن و
کلی بهش می‌خندن و دل‌تنگش میشن.
اما من که چند بار تجربه داشتم حال و
هوایم یه طور دیگه بود. به قول دوستم
مثل کسی بود که دنبال یه ترک دیوار
می‌گرده تایه تجربه معنوی پیداکنه.

از در حیات مسجد که وارد شدم تو خیال
خودم فکر می‌کردم یه عالمه فرشته اومدن
استقبال! ولی خوب من نمیبینمشون
اما حسشون می‌کردم. یهو ذهنم یاد
این جمله توی کتاب افتاد که از امام
صادق علیه السلام روایت کرده بود: «وقتی قیامت
می‌رسه یه ندایی از عرش خدا میاد که
«أَيُّنَ الرَّجَبِيِّون؟» یعنی اونایی که ماه رجب
روگرامی داشتند کجا هستن؟ دیگه خیلی
حس معنوی بهم دست داده بود، یه
حس پرواز قشنگ که پدرم دستم روکشید

می‌کشیدن و هرکس برای اینکه جاش و
مشخص کنه چادرش و به اون طناب‌ها
گره می‌زد. وای هنوزم یاد کارامون می‌افتم
خندم می‌گیره. یکی نبود بگه آخه مگه
اومدین خاله بازی که این چادرارو بهم گره
زدین. البته دیگه برای سال‌های بعد نظم
مراسم بیشتر شد و خادما جای هرکس و
مشخص می‌کردن.

خانه‌ی خدا

بالآخره به مسجد رسیدیم. چقدر ورودی
مسجد حال و هوای خوبی داشت
چراغ‌های روشن، حیات شسته شده و
معتکفینی که مثل من اومده بودن تا
تجربه جدیدی رو داشته باشن.

دوروبرم رو که نگاه می‌کردم، خیلی‌ها به
نظر می‌اومد که سال اولی باشن. کم
سن و سال هم بودن. با کلی وسیله و
سفارش‌های مامان باباهاشون و کلی با
دلتنگی خداحافظی می‌کردن و وارد مسجد

سه روز مهمان شهید بروجردی هستید. ردیف ۵ جایگاه شماره ۱۱، انتهای صحن اصلی مسجد سمت راست.»

چه صحنه جالبی بود! بین ردیف‌ها که می‌رفتم خیلی‌ها بودن که با تعجب و یه خوشحالی بغض‌آلودی دنبال محل اسکانشون می‌گشتن. خودم هم همین‌طور بودم. اصلاً انگار یادم رفته بود دنبال دوستام بگردم.

همین‌طور که داشتم به این فکر می‌کردم که چه اتفاق جالبی افتاده، رسیدم به جایی که عکس «شهید بروجردی» روزه بودند به دیوار و نوشته بودن شادی روح شهید صلوات. انگار شهید باهام حرف می‌زد و با یه لبخند قشنگ و مهربون بهم نگاه می‌کرد. یه دفعه چشمم خورد به شاخه گل با یه بسته کوچیک تزیین شده که روش نوشته بودن هدیه‌ای از طرف «شهید بروجردی». قصه برام جذاب شده بود. فوری رفتم بسته رو باز کردم تا ببینم چی

و گفت مراقب باش دختر، کم مونده بود. بیفتی تو حوض آب. کلی خندم گرفته بود. ورودی اصلی مسجد که رسیدیم از پدرم خداحافظی کردم و اون رو تا خارج شدنش از حیاط مسجد با چشمام بدرقه کردم.

رفیق شهید

فضای مسجد خیلی بزرگ بود. چشم چرخوندم تا یه آشنا پیدا کنم که یه دستی به شونم زد و گفت: «می‌تونم کمکتون کنم؟» گفتم: «ممنون، دنبال دوستام و یه جای مناسب برای گذاشتن وسیله‌هام می‌گردم.» با یه لبخندی به من گفت: «می‌تونم کارت اعتکافتون رو ببینم؟» گفتم: «بله چرا که نه! بفرمایید اینم کارت اعتکاف.» و بعد رفت و یه پاکت برام آورد. گفت: «جای شما تو این پاکت مشخص شده.» کمی تو فکر رفتم، خب بهم می‌گفتن کجا برم؟ دیگه پاکت می‌خواست برای چی؟! خلاصه پاکت و باز کردم نوشته بود: «خوش آمدید.

زمانی برای خدا

تو بسته‌ای که بهمون داده بودن یه کارت امانت‌داری گذاشته بودن با یه کلید. رو کارت نوشته شده بود تا امروز بیشتر وقتم رو با دیگران گذروندم از امروز می‌خوام چند روز با خدا بیشتر باشم. بعد تو یه کاغذ کوچیک نوشته بودن با امانت دادن گوشه‌ی موبایلم زمانم رو با تو پرمی‌کنم خدا جون. چه خوب بود که این همه دل چسب و غیرمستقیم بهمون یادآوری می‌کردن که کجا اومدیم و برای چی اومدیم.

روزهای سفید (ایام البیض)

صدای مناجات سحر، فضای مسجد و پرکرده بود. آدم و وسوسه می‌کرد که یه دل سیریره بشینه گوشه حیاط و جانمازش و بندازه و به آسمون نگاه کنه و با خدا حرف بزنه. چه حسی داشت. تا اینکه صدا زدن: «هرکی دوست داره تو انداختن سفره سحری کمک کنه بسم الله.» آخی، بار

توش گذاشتن. وصیت‌نامه شهید بود، با یه برگه که اعمال اعتکاف و توش نوشته بودن و یه برگه‌ی دیگه که برنامه‌های روزانه مسجد و یه سری قوانین و توضیح داده بودن و یه متن کوتاه ادبی قشنگ که روی برگه‌ی گراف دور سوخته، با کلی خودکارهای رنگی رنگی نوشته شده بود:

سلام مهمان خدا!

خوش‌آمدی. خدا بسیار مشتاقانه منتظر تو بوده است و قبل از آنکه تو او را دوست بداری، او تو را دوست داشته است. خدا می‌خواهد که بیشتر با او سخن بگویی و برای تو سفره مهمانی رجب را پهن کرده است. چه خوب انتخاب کرده‌ای. به سفره مهمانی ماه رجب خوش‌آمدی.
نیت کن و ثواب بندگی خودت را هدیه کن به

امضا

شهدا و روز میلاد حضرت علی علیه السلام جشن هم داشتیم و کلی شعرهای دسته جمعی خونددیم و شادی کردیم.

برای بچه‌های کوچکتر هم هر روز یه برنامه جذاب داشتن مثل کشیدن نقاشی درباره اعتکاف، حفظ موضوعی آیات و... خلاصه روزیمون زیاد بود و دم دمای افطار هم هرکس برای خودش خلوت می‌کرد و غصه می‌خورد که یه روزم گذشت! لحظه‌های افطار بیشتر احساس دلتنگی می‌اومد سراغمون. البته لحظه‌های افطار لحظه‌ی خوشمزه‌ای بود. چون بعد یه روز روزه‌داری کردن، یه افطار دورهمی کنار یه عالمه روزه‌دار می‌چسبید.

پلان آخر

اعمال ام‌داوود شروع شده بود که دوباره بهمون یه پاکت دادن و گفتن لحظه‌ی افطار نیمه رجب بازش کنید. دیگه می‌دونستم. حتماً قراره بازم کلی هیجان زده بشم.

اولی‌ها چه ذوقی داشتن. دیر می‌جنبیدیم دیگه جایی نبود که بتونی کمک کنی. سر سفره سحری که نشستیم لقمه اول و دهنم نذاشته بودم که دنیا برام یه لحظه تاریک شد. زودباش بگو کی هستم ترک دیوار؟ گفتم: «زهره. بازم از سحری جاموندی اومدی دو تالقمه سحری من و بخوری؟» جفتمون زدیم زیر خنده. چقدر خوشحال شدیم که همدیگر و دوباره دیدیم. هر دو تامون کلی بزرگ شده بودیم.

رزق روزانه

بعد یه استراحت مختصر که بعد نماز صبح انجام می‌دادیم و از خواب بلند می‌شدیم یه عالمه برنامه برامون می‌داشتن. خوندن نماز قضا، گفتن ذکرهای مخصوص ماه رجب، نمازهای مستحبی، حلقه‌های گفتگو با موضوعات مختلف مشاوره‌ای، طب اسلامی ایرانی، عقیدتی و پاسخ به شبهات، حتی یادواره

کم کم وسایلمون و جمع کنیم و از اون همه لحظات معنوی خوش خداحافظی کنیم. بالاخره اذان و گفتن. الله اکبر... منم که دیگه طاقت نداشتم فوری رفتم سر جانمازم نشستم و تا نماز شروع بشه پاکت و باز کردم. توش اینطور نوشته بود:

کم کم داشت شلوغ می شد و مردم هم به جمع معتکفین اضافه می شدن. احساس می کردی که الآن وقتشه دعا کنی و اینکه می گن در جمع دعا کنید چقدر می تونست لذت بخش باشه. دم دمای غروب روز آخر شده بود و باورمون نمی شد که باید

سلام مهمون خدا

بندگی ات قبول باشه. خوش به حالت که سه روز تو خونه خدا با رفیق شهیدت سر سفره ضیافت خدا نشستنی و یه عالمه بار و توشه معنوی جمع کردی. راهی رو انتخاب کردی که شاید خیلیا دوست داشتن بیان ولی نتونستن. راه توبه، راهی برای ابراز پشیمونی از گناهان، راه استغفار، راه تمرین کردن خیلی از خوبیها (عطوفت، به دل نگرستن، گذشت و...) حالا که می خوای بری کارت سخت تره! چون باید بتونی همه ی چیزهایی رو که یاد گرفتی حفظ کنی. دل هممون برای تو و ذکر گفتن ها و شب بیداری هات تنگ میشه. خداحافظ رفیق، جهاد تبیین یادت تره

پی نوشت

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۹۴، ص ۴۱.

قیمت زندگی چند؟

مرتضی کاشانی نژاد - کارشناس روان‌شناسی

برای پدر تعریف کرد. پدر گفت: «فرزندم! حالا فهمیدی که قیمت زندگی چنداست؟»

پیام

مهم است که گوهر وجودتان را کجا و به چه کسی بفروشید. قیمت شما به این بستگی دارد که مشتری شما چه کسی باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةَ﴾: خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد.»

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بهایبی برای جان شما جز بهشت نیست. خود را به کمتر از آن نفروشید.»^۲

پی‌نوشت

۱. توبه/۱۱۱.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات تشیع، چاپ سوم، قم ۱۳۸۶، حکمت ۴۵۶.

فرزندی از پدر قیمت زندگی را پرسید. پدر سنگی زیبا به او داد و گفت: «بردار و به بازار ببر. ببین مردم چقدر می‌خرند. اگر قیمت را پرسیدند، هیچ نگو، فقط دو انگشتت را بالا ببر.» کودک سنگ را به بازار برد. سنگ را دیدند و قیمتش را پرسیدند. کودک دو انگشتش را بالا آورد؛ گفتند: «دو هزار تومان!» نزد پدرش بازگشت و ماجرا را گفت؛ پدر به او گفت: «این بار برو در بازار عتیقه‌فروشان.» آنجا وقتی کودک دو انگشتش را بالا برد، عتیقه‌فروشی گفت: «دو میلیون تومان!» این بار هم کودک نزد پدر بازگشت و ماجرا را تعریف کرد. پدر به او گفت: «این بار به بازار جواهرفروشان و نزد فلان گوهرشناس برو.» وقتی کودک آنجا دو انگشتش را بالا برد، آن گوهرشناس گفت: «دو میلیارد تومان!» آن کودک باز ماجرا را

هم کیف، هم کتف

محمدحسین قدیری - کارشناس ارشد روان‌شناسی

برای زندگی موفق باید موارد

زیرارعايت كنيم:

۱

هم کیف بودن:

پول من و تو نکنیم. برای تحکیم خانواده و زندگی مشترک و آینده‌ای روشن هزینه کنیم.

۲

هم کیف بودن:

بر اساس ارزش‌های مشترک، معیار خوشی و لذت مشترک داشته باشیم. کیفمان باهم کوک باشد نه بایبگانگان.

۳

هم کتف بودن:

در کتف مسائل و دغدغه‌ها نظر مشترک داشته باشیم.

۴

هم کفو بودن:

مناسب و متناسب یکدیگر، هم سطح، متوازن و متعادل باشیم. خود را بالاتر یا پایین‌تر از دیگری ندانیم.

۵

هم کتف بودن:

در سختی و خوشی شانه به شانه‌ی هم باشیم.

مهارت ارتباط صمیمی والدین با فرزندان ۲

محمد حامد مبینی راوندی - دانش آموخته‌ی سطح ۴ تفسیر قرآن و تعلیم و تربیت اسلامی



را درک نمی‌کنیم و شاید هم بهتر است بگوییم که او ما را درک نمی‌کند و ما زبان و مسئله مشترکی برای ارتباط نداریم. در واقع سبک زندگی ما باید کمی متفاوت است!^۱ فکر می‌کنند که ارتباط صمیمی موجب از بین رفتن شخصیت و صلابتشان می‌شود و در واقع قاطعیت آن‌ها به عنوان والدین زیر سؤال می‌رود.

ایجاد یک ایده‌آل ذهنی از وضعیت فکری و رفتاری فرزند (آن‌طور که والدین دوست دارند) برای خودشان و در نتیجه اثرگذاری

یکی از مهم‌ترین مسائل تربیت صحیح فرزند، برقراری ارتباط صمیمی والدین با فرزندان است که در شماره اول ماهنامه به بررسی لزوم این ارتباط، تبیین مفهوم آن و بررسی نتایج این ارتباط پرداخته شد. در این شماره، به بررسی برخی مسائل، لوازم و نتایج ارتباط صمیمی، با فرزند می‌پردازیم.

مسائل والدین در ایجاد ارتباط صمیمی با فرزند

والدین در ایجاد ارتباط مناسب و صمیمی با فرزند خود با مسائلی مواجه هستند که غالباً از زبان آن‌ها می‌شنویم:
 ۱) می‌گویند ایجاد ارتباط عمیق و صمیمی مشکل است. ما و فرزندمان همدیگر

خواهد بود. بدتر از آن، هنگامی است که این مقایسه را به فرزند خود تذکر دهند و بیشتر موجب سرخوردگی و دوری او از والدین شوند.

۶ به دلیل مسائل روزمره و مشکلات زندگی، زمان کافی یا حوصله و صبر لازم را در روند ارتباط‌گیری با فرزند خود ندارند.^۲

۷ برخی والدین از روابط عمومی مناسب و قدرت ارتباطی خوبی برخوردار نیستند و نداشتن این مهارت سنگ بزرگی در روند ارتباط‌گیری‌شان با فرزندشان است.

ارتباط با فرزند هنگامی که او با ایده‌آل فاصله دارد. (فرزند خود را با واقعیات موجودش نمی‌بینند و نمی‌خواهند.)

۴ شناختن ویژگی‌های سنی و جنسیتی و روحیات و حالات فردی فرزند موجب توقعات زیاد و عدم درک مناسب او می‌شود.

۵ مدام به مقایسه فرزند خود با دیگران می‌پردازند و تغییر زیادی را از او توقع دارند. اگر این مقایسه را فقط در ذهن خود انجام دهند، ناخودآگاه در ارتباط‌گیری‌شان با فرزندشان مؤثر



لوازم ارتباط صمیمی با فرزند:

والدین گرامی! اگر می‌خواهیم ارتباط مناسبی با فرزند خود برقرار نماییم باید لوازم این ارتباط را شناخته و به آن‌ها پایبند باشیم:

۱. مراحل رشد و ویژگی‌ها و نیازهای فرزند را بشناسیم

از اصلی‌ترین لوازم ایجاد ارتباط صحیح با فرزند، شناخت مراحل رشد، ویژگی‌ها و نیازهای نوعی و سنی فرزندان، و همچنین ویژگی‌ها و نیازهای فردی فرزند است.

این شناخت در چند جهت به کار می‌آید:

برخی از این ویژگی‌ها راه‌های نفوذ جهت‌صمیمی سازی بیشتر رابطه است مانند نیاز به استقلال و شخصیت طلبی فرزند، نیاز به دیده شدن و پذیرفته شدن توسط دیگران، نیاز به محبت، و که تأمین آن‌ها توسط والدین موجب برقراری ارتباط بیشتر و صمیمی‌تر با فرزندان است.

این شناخت موجب می‌شود که درک بهتری از فرزند در هر سن پیدا شود، در نتیجه انتظار و توقع والدین متناسب با رشد فرزندان تنظیم گردد، و والدین درصد دفع تمامی نیازهای فرزند خود برآیند.



۳. منتظر تغییرات ناگهانی باشیم

فکر نکنیم که اگر فرزندمان خوب است، در ادامه هم همان طور که ما دوست داریم، خواهد بود. باید این نکته را بدانیم که انسان تا آخرین مرحله زندگی اش دچار تغییرات فراوانی خواهد شد که ممکن است ما علاقه‌ای به این تغییرات نداشته باشیم. والدین معمولاً فرزندانشان را در پیش‌بینی نمی‌کنند و انتظار چنین تغییراتی را ندارند، و هنگامی که تغییری رخ دهد، موضع‌گیری سختی دارند و فکر می‌کنند که دنیا به آخر رسیده است. این‌گونه والدین با واکنش‌های شدید موجب دور شدن بیشتر خود از فرزند می‌شوند.

والدین باید خود را برای شرایط گوناگون آماده کرده و در ارتباط با احتمال بروز این تغییرات، پیش‌بینی کنند که در هر موقعیتی چه برخوردی انجام دهند. آن‌ها باید فرزندانشان را در نظر گرفته و فکر نکنند که فرزندشان

۲. فرزندان را همان طور که هستند بپذیریم

گاهی والدین از برخی روحیات و رفتارهای فرزندانشان خوششان نمی‌آید و همین موضوع موجب کم شدن ارتباط با فرزند، و یا حتی مقایسه او با دیگران، و شاید هم فرق گذاشتن بین فرزندانشان می‌شود. که این موارد هر کدام آسیب‌های خاص خود را در پی دارد. باید بدانیم، لازم است فرزند را همان طور که هست پذیرفت و ضمن دوست داشتن او، سعی در تغییر روحیات و رفتار و رشد انسانی او داشت. این پذیرش هم باید در درون ذهن اتفاق بیفتد که تأثیرات ذهنی بر رفتار ما نداشته باشد و هم باید در عمل دیده شود تا در مواجهه با فرزند حس شود.



فرزندان فرصت تجربه و اشتباه را داد و صبورانه با این اشتباهات برخورد کرد و با برنامه‌ریزی قبلی سعی در بهره‌برداری از اشتباهات فرزندداشت.^۵

۵. برای ارتباط‌گیری و تربیت، زمانی را

اختصاص دهیم

والدین معمولاً برای ارتباط‌گیری و تربیت فرزند خود زمان خاصی اختصاص نمی‌دهند و فکر می‌کنند این فرایند در روند زندگی به صورت طبیعی رخ خواهد داد. گرچه این تفکر درست است که برخی از ارتباطات و زمینه‌سازی‌ها برای تربیت در طبیعت زندگی رقم می‌خورد، ولی از این نکته نیز

باید برای همیشه به یک‌شکل و حالت رفتار کند. بنابراین والدین باید بدانند که حالت‌های متفاوت آدمی، نیاز به برخوردهای متفاوتی هم دارد.

۴. در ارتباط با فرزند صبور باشیم

تغییر روحیات فرزند در طول زندگی و تدریجی بودن تربیت^۴، دو مسئله‌ای هستند که نقش صبر و حلم در ارتباط با فرزند را به والدین گوشزد کرده و نیاز به این خصلت را روشن می‌کنند. علاوه بر این دو ضرورت باید این نکته را نیز مدنظر داشت که زندگی صحنه تجربه است و باید به



به والدین خود، روی بازتری نشان داده و با آن‌ها گرم‌تر برخورد می‌کنند. در این صورت او والدین را محرم اسرار خود دانسته و با آن‌ها گفتگوی بیشتری انجام خواهد داد.

یکی از ویژگی‌های نوجوان، اعتماد فراوان به دوستان خود است.^۶ تابه‌حال به این فکر کرده‌اید که چراگاهی انسان‌ها با یک دوست راحت‌تر صحبت کرده و به او اعتماد دارند ولی نمی‌توانند به راحتی با پدر و مادر یا حتی با خواهر و برادر صحبت کنند؟ چون در اکثر موارد دوستان فقط به حرف‌هایمان گوش می‌دهند و در نهایت برای آرام کردن ما، همدلی می‌کنند و گاهی هم یک راهکار جلوی پایمان می‌گذارند، ولی اغلب پدر و مادرها چون نگران‌اند که به نوعی فرزندشان را از دست بدهند، به محض صحبت او، شروع به سرزنش یا القای گناه ... می‌کنند. آن‌ها نمی‌دانند که این حرف‌ها

نباید غفلت کرد که ارتباط‌گیری گاهی نیاز به برنامه‌ریزی و اختصاص زمان برای فرزند دارد. این اختصاص زمان، علاوه بر اینکه زمینه ارتباط و اثرگذاری را فراهم می‌کند، موجب درک فرزند نسبت به اهمیت خودش در نگاه والدین و دریافت بهتر محبت و ریزی آن‌ها نیز می‌شود.

اختصاص زمان برای ارتباط‌گیری و تربیت گاهی با اختصاص زمان برای بازی مصداق پیدا می‌کند، گاهی با طراحی برنامه مشخص برای همراهی با فرزند در جمع خانواده و گاهی با شرکت در برنامه‌های مختص به فرزند که برای او مهم است، مانند شرکت به عنوان تماشاگر در مسابقات ورزشی او.

۶. فضایی جهت درک امنیت در فرزند

ایجاد کنیم

هنگامی که فرزندان احساس امنیت کنند و ترسی از طرد یا تحقیر شدن و مقایسه شدن با دیگران نداشته باشند،

فقط فاصله‌ها را بیشتر کرده و فرزندشان می‌دهد با همان دوست راحت باشد و برای اینکه جایگاه خود را در خانه از دست ندهد و مورد سرزنش قرار نگیرد، ترجیح می‌دهد دل کند، بنابراین چنین شخصی در محیط خانواده احساس امنیت ندارد.



در شماره‌های بعدی، به بررسی **اشتباهات تربیتی والدین** که موجب عدم صمیمیت آن‌ها با فرزندان شده پرداخته و راهکارهای برقراری ارتباط صمیمی را مرور خواهیم کرد.

ادامه دارد...



برای مطالعه بیشتر پیرامون مهارت ارتباط صمیمی با فرزند از کتاب‌های زیر استفاده نمایید:

- ① با دخترم؛ ویژه والدین و مربیان دختران نوجوان، انتشارات موسسه امام خمینی رحمة الله علیه
- ② کتاب‌های «من دیگر ما» ۱۳ جلد، محسن عباسی ولدی، نشر آیین فطرت (به ویژه

جلدهای ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۰)

پی‌نوشت

۱. مهارت‌های تربیت فرزند در دنیای امروز، «من دیگر ما»؛ محبت، محسن عباسی والدی، انتشارات جامعه الزهراء رضی الله عنها، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۲.
۲. مهارت‌های تربیت فرزند در دنیای امروز، ج ۲، ص ۲۱ و ۹۵.
۳. هوس سوختن؛ «مواجهه تربیتی با گرایش نوجوانان به مصرف مواد اعتیادآور و درمان آن» حسین رستمی، انتشارات شفق، چاپ اول، قم، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶.
۴. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، محمد داوودی، حسین کارآمد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۰، ص ۲۰۴.
۵. برای مطالعه بیشتر در مورد نقش صبر در تربیت مراجعه شود به «نقش صبر در تربیت اسلامی فرزندان با الگوپذیری از آیه ۱۳۲ طه» محمدجواد سامی و همکاران، دو فصلنامه تفسیر پژوهی، سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۹۸، ص ۱۱۷-۱۳۱.
۶. محبت افراطی، مجتبی رضایی و همکاران، انتشارات شفق، چاپ اول، قم، ۱۳۹۷، ص ۷۲.



بهترین کادو برای پدر

کوثر بخشی جویباری - کارشناس روانشناسی

رائثار فرزندان می‌کند، خودش هم نیازمند لطف، محبت و احترام همسر و فرزندان می‌باشد. از آنجاکه به جهت وجود چالش‌ها و اتفاقات روز جهان، فرهنگ جوامع بشری در حال تغییر است و این خانواده هست که سلامت روان یک جامعه را تأمین می‌کند؛ ما خانواده طلاب و مبلّغان باید بیش‌ازپیش به فرهنگ ایرانی اسلامی خود اهمیت داده و در حفظ آن تلاش کنیم. در نوشتار حاضر به مناسبت ۱۳

یکی از برترین و بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند مهربان، نعمت داشتن پدر است. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنانند. «پدر تکیه‌گاه خوبی برای فرزندان و حتی مادر خانواده می‌باشد.

لازم است بدانیم همان‌طور که پدر رنج زیادی را به جان می‌خرد تا راه زندگی را به فرزند خود بیاموزد و لطف بی‌دریغ خودش

رجب سالروز میلاد امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام که به عنوان «روز پدر» معرفی شده است، به بیان راهکارهایی برای حفظ جایگاه پدر در خانواده می پردازیم که عمل به آن‌ها بهترین کادو برای پدر خواهد بود، چراکه علاوه بر حفظ خانواده از آسیب‌های اجتماعی، موجب حل بسیاری از مسائل درون خانواده نیز می‌شود.

راهکارهایی برای حفظ جایگاه پدر در خانواده

👉 **مهارت ارتباطی خوب بین همسران را یاد بگیریم**
نقش اصلی در حفظ مقام پدر در خانه به عهده‌ی مادر است. مادر به جهت تأثیرگذاری و ارتباط بیشتر و صمیمی‌تری که با فرزندان خود دارد و همچنین به خاطر ویژگی عاطفی و احساسی که به صورت خدادادی در وجودش هست می‌تواند به حفظ جایگاه و منزلت پدر در خانواده کمک کند. متأسفانه در جامعه‌ی امروزی به دلایل گوناگونی شأن پدر در خانواده آن‌طور که باید و شاید حفظ نمی‌شود. یکی

از دلایل اصلی آن نداشتن مهارت ارتباطی خوب بین زوجین است که شامل مهارت گفتگوی سالم، حل مسئله، نقد منصفانه و... می‌باشد.

بنابراین همان‌طور که قرآن کریم فرموده: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ آن‌ها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آن‌ها هستید^۲ نوع رابطه والدین با همدیگر تعیین‌کننده است و می‌تواند در حفظ جایگاه پدر در خانواده، بسیار مؤثر واقع شود. از این روی لازم است والدین برای کسب مهارت ارتباط خوب، تلاش کنند.

👉 **پدر، مسئول خریدهای روزانه باشد**

بهتر است خرید لوازم و وسایل مورد نیاز خانه بر عهده‌ی پدر خانه باشد، یا پدر و مادر باهم آن‌ها را تهیه کنند. متأسفانه در جامعه‌ی امروزی گاهی حتی مادر بدون مشورت با پدر آن‌ها را تهیه می‌کند که این مسئله شاید زیاد جدی به نظر نرسد. ولی مادر به صورت ناخواسته، علاوه بر اینکه

در خانواده احترام خاصی برای پدر قائل باشیم



در حضور و یا غیاب پدر، مادر خانواده باید حرمت پدر را نگه دارد و در حضور فرزندان از پدر بدگویی نکند، طبیعتاً در یک زندگی مشترک، پدر خانواده هم ممکن است نقاط ضعفی داشته باشد، ولی مادر نباید این مسائل را به بچه‌ها منتقل کند. زیرا در این صورت شأن پدر برای فرزند کم‌رنگ می‌شود. در واقع مادر خانواده باید بداند قهرمان یک‌خانه، پدر است و اگر مادر مقام و حرمت پدر را حفظ کند، در کنار حفظ حرمت و جایگاه پدر، حرمت و جایگاه خودش را نیز حفظ می‌کند، مادر باید بداند

نقش و اقتدار پدر را در خانه کم‌رنگ کرده است؛ موجب شده که فرزندان در امور اقتصادی جایگاه پدر را نادیده گرفته و چه بسا نیازهای اساسی خود را با پدر مطرح نکنند و این خود منجر به ایجاد فاصله بین پدر و فرزندان خواهد شد و چقدر خوب است خانه‌هایی که فرزندان برای به دست آوردن نیازهای مادی خود مادر را پیش پدر واسطه می‌کنند، چراکه می‌دانند پدر، مسئول مالی خانواده بوده و آن‌که حرفش زمین نمی‌ماند مادر است.

سطح توقعاتمان را پایین بیاوریم

اگر اعضای خانواده شرایط پدر را درک و سطح توقعات خودشان را کمی پایین بیاورند، پدر مجبور نمی‌شود مدت‌زمان زیادی را برای به دست آوردن امکانات زندگی، از خانواده دور بماند و اعضای خانواده مدت بیشتری با پدر وقت می‌گذرانند. او نیز به‌ترمی‌تواند نقش پدری خود را ایفا کند.

اگر جایگاه پدر در خانه خدشه‌دار شود، به‌زودی جایگاه خودش نیز دچار آسیب شده و دیگر فرزندان برای او نیز حرمتی قائل نخواهند بود.

👉 **تصمیمات نهایی توسط پدر اعلام شود**

مادر خانواده باید در هر شرایطی حرمت پدر را در مقابل فرزندان حفظ کند. تصمیم‌هایی که برای فرزندان گرفته می‌شود حتماً باید با مشورت پدر باشد و تصمیم نهایی را پدر اعلام کند. در این صورت فرزندان جایگاه پدر را بیش‌ازپیش در خانواده درک می‌کنند.

گاهی اوقات ممکن است نظر پدر و مادر درباره‌ی یک موضوع متفاوت باشد اما نباید آن را به فرزندان منتقل کنند، بلکه بین خودشان آن را حل کرده و تصمیم نهایی از طریق پدر اعلام شود. مادر نیز چه در حضور و چه در غیاب پدر، به این تصمیم احترام بگذارد و آن را تصمیم خودش بداند. زیرا اگر در نبود پدر تصمیم دیگری را به فرزند

ابلاغ کند، ناخواسته به فرزندش می‌آموزد که در نبود مادر او هم می‌تواند تصمیمات خودش را انجام دهد. ولی اگر حتی در نبود پدر تصمیمات و قوانین حفظ شود، فرزند ما یاد می‌گیرد که تحت هر شرایطی باید حرمت و جایگاه پدر حفظ شود و در کنار آن، حرمت مادر هم حفظ می‌ماند. البته پدر هم باید بداند که در قوانین و تصمیمات از مادر مشورت بگیرد. چراکه مادر با فرزندان ارتباط بیشتری داشته و از مسائل و مشکلات درون خانه اطلاع بیشتری دارد. اگر قانونی در خانه نیاز به تغییر دارد، مادر باید به پدر خانواده اطلاع دهد و با مشورت یکدیگر تصمیم به تغییر بگیرند و این تصمیم توسط پدر اعلام شود.

👉 **راهکارهای ساده:**

- ① وقتی پدر به خانه می‌آید به استقبال او برویم.
- ② صبر کنیم پدر بیاید تا همه باهم شام بخوریم.

دستاوردهای بزرگی را برای خانواده به ارمغان می‌آورد. یادمان باشد حفظ جایگاه پدر فقط مخصوص روز پدر نیست و مادر خانواده می‌تواند به حفظ این جایگاه برای همه‌ی ایام سال کمک کند و لازم به یادآوری است که بهترین الگو برای حفظ حرمت پدر، حضرت زهرا علیها السلام است که با وجود همه مشکلات و شرایط سخت آن دوران و علی‌رغم سن کمشان همواره شأن، مقام و حرمت حضرت علی علیه السلام را تا پای جان حفظ کردند.



برای مطالعه بیشتر:

- ① مقام پدر و مادر در اسلام، زین العابدین احمدی، انتشارات میثم‌تمار، قم، ۱۳۸۵.
- ② جایگاه پدر و مادر در قرآن و روایات، محمدحسن مهدوی نیا، انتشارات میراث ماندگار، قم، ۱۳۹۶.



پی‌نوشت

۱. نساء/۳۴.
۲. بقره/۱۸۷.

③ بهتر است سرسفره مادر ابتدا برای پدر غذا بریزد، تا کودکان متوجه جایگاه پدر در خانواده باشند.

④ به فرزندان پیام‌میزیم گاهی به پدر کادو بدهند، این کادو می‌تواند حتی یک نقاشی باشد.

⑤ فرزندان جهت تشکر و قدردانی از زحمات پدر، دست و پیشانی او را بوسه بزنند.

⑥ عکس پدر در کیف پول مادر و فرزندان باشد.

⑦ مادر کارهای خودش را به پدر اطلاع دهد، مثلاً برنامه‌ی فردای خودش را در حضور پدر خانواده تنظیم کند و ...

آثار حفظ جایگاه پدر در خانواده:

از آثار حفظ جایگاه پدر در خانواده می‌توان به تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر و اخلاق مدار اشاره کرد، رعایت این مسائل کوچک، به‌مرورزمان به‌صورت ناخواسته

سنت جاودانه ۲

محمد رضانی کوکلام
دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه قم

آخرین شبی بود که در این مراسم باشکوه و پرجمعیت، برنامه داشتم. پس از پایان جلسه، افراد گوناگونی با تفکرهای مختلف اطرافم جمع شدند، همگی درد نسبتاً مشترکی داشتند. پدری با نگرانی از حال پسرش می‌گفت که مسجدی بوده و به اصطلاح مذهبی بوده، اما الان از دین برگشته است. خانمی نیز از بی‌نمازی برادرزاده‌اش می‌گفت. دغدغه‌ی بی‌حجابی، اعتیاد، بی‌احترامی به والدین، و ده‌ها سؤال دیگر که همه به دنبال راهکاری مناسب بودند.

مگر می‌شود مسلمان باشی اما نسبت به دین‌داری خودت و خانواده و اطرافیان بی‌تفاوت باشی و در اطراف خود عزیزانت را مشاهده کنی که در گرداب انحراف و بدبختی در حال جان دادن هستند اما نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشی؟

آن شب به همه‌ی آن‌ها یک پیشنهاد مشترک دادم، پیشنهادی به ظاهر

گاهی برای جذب برخی افراد لازم است هنگام دعوت، اسم روضه‌های خانگی را از عنوان این مجالس برداشت و تحت عنوان یک دوره‌می دوستانه افراد را دور هم جمع نمود. یا حتی شکل برگزاری آن نیز بیشتر در قالب گفتگوی دوستانه اماروشمند، برگزار شود. در این روش پس از مدتی برگزاری، می‌توان از کارشناس دین‌شناس دعوت شود تا پاسخگوی شبهات و سؤالات افراد باشد، ولی اگر خودتان به عنوان همسریک طلبه یا مبلغ، بتوانید با مطالعه‌ی آثار علمی و کاربردی در این جایگاه نقش ایفا کنید مطلوب‌تر خواهد بود. تجربه‌های بسیاری نشان می‌دهد که اگر جلسات خانگی توسط افرادی که توانایی پاسخگویی دارند به صورت پرسش و پاسخ برگزار شود، برای مخاطبان جذاب‌تر و مناسب‌تر خواهد بود. توجه داشته باشید که روحیه و علاقه‌ی مخاطب نقش بسیاری در برگزاری این جلسات دارد، برای برخی از همان ابتدا

ساده اما دقیق و هدفمند بود که تجربه نشان داده است، اگر انجام بشود حتماً تأثیر شگفت‌انگیزی خواهد گذاشت. از آن‌ها خواستم تا با زیرکی و دقتی بسیار، مجالس خانگی را به بهترین شکل برگزار و ترویج کنند.

مجالس خانگی

معجونی بی‌نظیر در ارتقای معرفتی و حل مشکلات مادی و معنوی انسان‌ها است، البته در صورتی که شایسته و مطابق علاقه‌مندی‌های مشروع و صحیح مخاطبان برگزار شود.

مجالس خانگی فقط برای مذهبی‌ها نیست، کسانی هم که نسبت به معارف دین تمایلی ندارند، اگر در چنین فضاهایی جذب بشوند، تأثیر آن را خواهند دید. بدون شک در مجالس خانگی این ظرفیت وجود دارد که مباحث مربوط به خوشبختی و موفقیت افراد در آن تبیین و تشریح شود.

سخنرانی و مداحی جذاب است؛ اما برای برخی دیگر، شاید لازم باشد مجالس خانگی تا مدت‌ها در قالب گفتگوی مؤثر، ادامه پیدا کند و پس از مدتی، چاشنی مرثیه و مدح نیز به آن اضافه گردد. برای جذب و علاقه‌مند کردن افراد به دین و برگزاری هرچه بهتر این مجالس، لازم است راهکارها و مهارت‌هایی را در نظر داشت و گام‌های مهمی نیز برداشت تا اثر سازندگی و تربیتی مجالس بیشتر شود. در ادامه به بیان برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

راهکارها و مهارت‌های جذاب‌سازی مجالس خانگی:

برخی از مواردی که باید برگزارکنندگان مجالس به آن توجه کنند عبارت‌اند از:

الف) قبل از اجرای مراسم:

۱. احساس نیاز کنیم و دغدغه‌مند باشیم

یکی از بهترین سنگرها و کانون نجات برای خانواده‌ها، جهت ایمنی از فتنه‌های

دشمنان و شرور آخرالزمان، مجالس خانگی است. اگر هرکسی نسبت به دیگری بی‌تفاوت باشد یقیناً آسیب آن را خواهند دید. آسیبی که ممکن است اقتصاد، فرهنگ و سیاست یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. در طول همین ایام در تحولات کشور عزیزمان ایران، مصادیق زیادی پیدا شد که به علت عدم توجه اطرافیان، شخصی سبب قتل و کشتار افراد جامعه شد و یا به سبب غفلت از حال عده‌ای، اموال بسیاری تخریب گردید. اگر این بی‌تفاوتی‌ها ادامه داشته باشد، در آینده‌ی نزدیک اوضاع و احوال دردناک‌تر خواهد شد، اما اگر حتی برخی از افراد در هر محله یا قوم و خویشان دغدغه‌مند باشند، اوضاع بهتری پیش رو خواهد بود. بی‌تردید از ما نیز به‌عنوان خانواده‌ی مبلغ، توقعاتی وجود دارد که البته به‌جا هست، و باید نسبت به افراد منطقه‌ی تبلیغی و پیرامون خود دغدغه‌مند باشیم.

و ارتقای سطح دین‌دانی و دین‌داری آنان
تنظیم نمود. مثلاً فضای جلسه، موضوع
جلسه طوری تنظیم شود که برای آنان
جذاب‌تر باشد.



۴. گویندگان و مداحان نوانمند و باسواد را دعوت کنیم.

افرادی که معمولاً به‌عنوان میهمانان
مجالس خانگی دعوت می‌شوند
عبارت‌اند از: مخاطبان، سخنران و واعظ،
مداح و مرثیه‌خوان؛ هر سه گروه نقش
خاصی در برگزاری دارند اما توجه داشته
باشیم که از گویندگان و مداحانی دعوت
کنیم که سواد کافی داشته باشند و
به‌اصطلاح مطالب مستند بگویند و

۲. نیت خالصانه داشته باشیم

آنچه قدرت تأثیرگذاری بر جان مردم را
افزایش داده و همچنین رونق مادی و
معنوی مجالس را ارتقا می‌دهد، نیت
خالصانه است. اگر با قصد تقرب و
نزدیک شدن به خدا کارها انجام گیرد و
با قصد اینکه به‌عنوان یک بانوی مؤمن
در مقدمه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام
نقشی مؤثر ایفا کنیم. بدون تردید این
نیت بزرگ اثرگذاری کارهایمان را بیشتر
خواهد نمود. اما اگر خدایی نکرده به‌قصد
چشم‌وهم‌چشمی انجام شود، هیچ‌ارزشی
نخواهد داشت.

۳. قوانین مخاطب‌شناسی را رعایت کنیم

برخی مجالس خانگی عمومی برگزار می‌شود
و از هر طیف و سلیقه‌ای حاضر می‌شوند، اما
قشری که از این جلسات فراری و یا کم‌علاقه
هستند، معمولاً کمتر استقبال می‌کنند.
بنابراین باید بین مخاطبان مراتبی را در نظر
گرفت و مجالس را مطابق با روحیات آنان

دانایی و توانایی مردم را نسبت به امور دینی و مذهبی، علمی و دانشی، ارتقا دهند؛ نه آنکه مطالب تکراری و کلیشه‌ای کم‌فایده را بیان کنند. بدون شک کسانی که خود از بهره‌های علمی و معنوی برخوردارند می‌توانند اثرگذار باشند، در غیر این صورت به تعبیر شاعر:

خُشک ابری که نُودز آب تهی

ناید از وی، صِفَت آب دهی

● **۵. به مکان برگزاری جلسه‌ها توجه داشته باشیم**
مکانی که برای برگزاری برنامه اختصاص می‌دهیم از حیث وسعت باید به اندازه‌ای باشد که میهمانان دچار سختی و مشقت نشوند. مثلاً مکان جلسه پرت و بدمسیر نباشد. همچنین سعی کنیم متناسب با ظرفیت مکان، میهمانان مجلس را دعوت نماییم. گرمایش و سرمایش مکان نیز اهمیت دارد که باید دمای متناسب تنظیم شود.

● **۶. زمان مناسب برای جلسه‌ها انتخاب کنیم**
درباره‌ی زمان برگزاری مجالس خانگی دو نکته اهمیت دارد:
اول: جلسات خانگی معمولاً در ایام شهادت و میلاد **اهل بیت** برگزار می‌شود. البته می‌توانیم این مجالس را در تاریخ مشخصی از هر ماه قمری یا شمسی برگزار کنیم تا همه بدانند که مثلاً روز ۱۸ هر ماه قمری برنامه برگزار می‌شود. برخی نیز مجالس خانگی را به صورت هفتگی مثلاً در شب‌های جمعه، جمعه شب‌ها،... برگزار می‌کنند.
نکته‌ی مهم اینجاست که معمولاً مجالس خانگی که اختصاصی بانوان است در ساعاتی از صبح یا عصر برگزار می‌شود.
دوم: مدت زمان اجرا نیز اهمیت دارد. طولانی شدن بیش از حد برنامه مناسب نیست؛ بلکه باید ساعتی مشخص را اعلام کرده و در همان ساعت برنامه‌ها اجرا شود. البته لازم است وقتی راهم برای هم صحبتی افراد با یکدیگر اختصاص دهیم.

بیشتر نیز در نظر گرفته شود، تمیز و بهداشتی بودن آن نیز اهمیت دارد. تذکر این نکته نیز مهم است که این مجالس هرچه ساده‌تر و بی‌آلایش‌تر پذیرایی شود، فرصت تکرار این مجالس را نیز زیادتر می‌کند.

۸. تقسیم وظایف و نقش دهی کنیم

در اجرای برنامه، به افراد مختلف به‌ویژه نوجوانان و جوانان مسئولیت داده شود. زیرا همین نقش‌دهی‌ها برای آنان در فعالیت‌هایی مثل تزئینات، آشپزی، پذیرایی، تبلیغات و...؛ علاوه بر اینکه موجب استمرار حضور آن‌ها در جلسات می‌گردد، در مسئولیت‌پذیر نمودن آنان نیز، بسیار مؤثر خواهد بود.

ادامه دارد...



۷. امکانات مورد نیاز جلسه را فراهم کنیم

- ۱ سیستم انتقال صوت یکی از مواردی است که در جلسه وجود آن نسبتاً ضروری است که باید در صورت استفاده از آن، تنظیمی مناسب داشته باشد تا علاوه بر اینکه گوینده را اذیت نکند، مخاطبان و همسایگان را نیز آزار ندهد. البته شاید در مجالس کوچک و خلوت نیاز چندانی به سیستم صوتی نباشد.
- ۲ مکان برگزاری جلسه متناسب با ایام شادی و عزاداری تزئین شود.
- ۳ جایگاه سخنران و مداح (منبر، صندلی) در کنار درب ورودی نباشد بلکه به شکلی باشد که مخاطبان هنگام نشستن روبروی منبر، پشت به درب ورودی باشند، تا هنگام رفت‌وآمد حواس افراد پرت نشود.
- ۴ وسایل پذیرایی نیز متناسب با تعداد افراد تهیه شود. حتی تعدادی

اقتدار مادران شهدا، تکیه‌گاه یک ملت

رقیه حیدری آل کثیر - دانش‌آموخته سطح ۲ حوزه علمیه - کارشناس مشاوره

در مکتب اسلام، آنچه مهم است هویت انسانی است و جنسیت در لایه دوم معنا می‌شود! لوازم این هویت، نقش‌هایی را برای انسان‌ها تعریف می‌کند. در این ساختار هویتی، هرگز «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱ به مردان اختصاص نمی‌یابد. تکالیف اجتماعی برای زن و مرد به یک اندازه وجود دارد. در چنین مکتبی مهم است که زنان بتوانند آن قدر رشد کنند که در بحران‌ها نه تنها احساس ضعف را از خود دور سازند، بلکه به جایی برسند که جامعه به آنان تکیه کند و سرپا بایستد.

دیدگاهی زن را فقط معشوقه‌ای می‌بیند که در انتظار مردی قدرتمند است تا بیاید و او را سوار اسب سفیدش کند و با خود ببرد. در این دیدگاه، زن، عاشق تکیه کردن و وابسته شدن به آن مرد است. دختران زیادی با این دیدگاه بزرگ می‌شوند. به نظر می‌رسد مسابقات نفس‌گیر زیبایی که بسیاری زنان جامعه‌ی جهانی را به خود درگیر کرده ذیل

همین نگاه به زن شکل می‌گیرد؛ نگاهی که جامعه به زنان و آنان به خودشان دارند و تلاش می‌کنند تا هرروز زیباتر از دیروز و زیباتر از دیگر زنان به نظر بیایند و توجه مردان بیشتری را به خود جلب کنند. هرچه هم‌رنگ و لعاب مدرن و ژست روشن‌فکری و آزادی بخواند به آن آبرو دهد، ماجرا همان ماجرای عوامانه سیندرلای منتظر شاهزاده است که بدون هیچ کنشگری در سرنوشت خود و جامعه، فردگرایانه، خوشبختی هرچه بیش تر ایمی خواهد.

حالا بیایید نگاهی دیگر را مرور کنیم. زنی که هم عاشق است و جانش به عشقش بسته، هم تکیه‌گاه سرپا ایستادن یک ملت می‌شود. زنی که یک تماشاچی منفعل نیست؛ بلکه فعالانه در میدان عمل ظاهر می‌شود. از که حرف می‌زنم؟ از مادری که پس از شهادت فرزندش نه تنها اعتراضی به امام و حاکمیت نمی‌کند؛ بلکه روبروی پیکر پاره‌پاره او می‌ایستد و مانند قهرمانان میدان، رجزهای حماسی می‌خواند که تمام فرزندانم فدای امام و انقلاب! و این‌گونه روحیه جهاد و فداکاری برای پاسداری از دین و وطن را تکثیر می‌کند. همین مادری که تا چندی پیش راضی نبود خاری به پای میوه دلش برود. برخی از این زنان حتی سواد آن‌چنانی و اطلاع دقیق از سیاست هم نداشتند؛ اما عمق مفهوم جنگ حق و باطل را حتی بیش





نشان نمی دادند، جنگ پیروز نمی شد. اگر مادران و همسران شهدای صبری نشان می دادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها می خشکید؛ این گونه نمی جوشید؛ این گونه به جامعه طراوت نمی داد.»^۳

احساس، وقتی با اعتقاد به جهاد و شهادت و غیرت انقلابی تلفیق می شود، معجونی سحرآمیز می سازد که می تواند تناقضها و اضطرابها را در وجود انسان حل کند. این کیمیا مادری را می سازد که برای امام پیغام می فرستد: «تنها پسر من اسیر و زیر شکنجه بعثیها شهید شده اما خیالی نیست فدای سرتان اگر باز هم پسر داشتم تقدیمتان می کردم!»^۴ زنی را می سازد که هر

از خیلی روشنفکران و سیاسیون درک کرده و با تکثیر خودشان جنگ را پیش بردند و نگذاشتند قطار انقلاب متوقف شود. نشکستند تا دیگران نشکنند. این نشکستن را هیچ کسی از آنان نخواست؛ جز آنچه به آن معتقدند. چگونه نگوییم که ملتی دست به زانوی اقتدار و جذبۀ این مادران گذاشته و سرپا شده؟

مقام معظم رهبری عظمته در بیاناتشان این چنین به این نکته اشاره می کنند: «در جنگ تحمیلی اگر مادران شهیدان و همسران شهیدان ... ایمان خود، صبر خود، ایستادگی خود، معرفت خود و روشن بینی خود در قبال ضایعات جنگ و فداکاریهای جوانان و مردان را



آسمان‌ها و زمین و مادر جامعه در تمامی قرن‌ها و حضرت زینب کبری علیها السلام الگوی عملیاتی از ظاهر شدن یک زن در حد و اندازه لشکری از مردان را فراروی حرکت خود قرار دادند. این مادران، فرزندان فکری آن بانوان بزرگ بودند که توانستند کنش حضوری فرا جنسیتی در بطن حوادث داشته باشند و ذره‌ای احساس ضعف به خود راه ندهند. بقای اسلام و انقلاب مدیون این مادران است. شناخت و تکثیر چنین الگوی نابی، اکسیر شفابخش بسیاری از دردها و گره‌های زندگی امروز ماست. اینکه در جامعه‌مان آشفتگی‌های هویتی دیده می‌شود، یک دلیلش این است که جامعه برخی مفاهیم

لباس آغشته به خون و آمیخته به تکه‌های بدن شهدا را که در رخت‌شوی خانه پشت جبهه می‌گشاید، برایش بدن نازنین فرزند مفقودالائرش تداعی می‌شود و باینکه داغ از درونش شعله می‌کشد، دم نمی‌زند و به شستشو ادامه می‌دهد،^۵ مادری را و می‌دارد بین دو تابوت پسرانش که هم‌زمان باهم شهید شده‌اند، بنشیند و به جای ضجه زدن از آنان بخواهد کمک کنند که لبخند هیچ‌گاه از لبانش نیافتد، تا مبادا با بی‌تابی مادران، سلسله پسر بخشی در راه اسلام منقطع گردد.^۶ این زنان، آفتاب روشن الگوهایی چون حضرت خدیجه کبری علیها السلام نخستین زن تاریخ‌ساز، حضرت زهرا علیها السلام فخر

را گم کرده یا برایش کم‌رنگ شده. شاید گم‌شدن برخی مفاهیم بوده که موجب شده بعضی خلاءها با الگوهای غرب‌زده و فمینیستی پر شود و به‌عنوان مثال حضور اجتماعی زنان در جامعه همراه شده با ضربه خوردن به کانون خانواده و فرزند آوری. یعنی برای حل مسئله‌ای به نام «حضور اجتماعی زنان»، مسئله‌های دیگری آفریدیم. برای نسل مادران شهدا چنین‌گره‌های هویتی وجود نداشت. مادران شهدا به‌عنوان الگویی که تجربه زیسته آن هنوز در دستان ماست، باید پیش چشم نسل جدید قرار بگیرد. طی سال‌های اخیر بسیاری از این جواهرها به علت کهولت سن از میان ما رفته و به فرزندان شهیدشان پیوسته‌اند. خاطرات برخی مستند شده و بسیاری برای همیشه مکتوم مانده است. اگر این خاطرات گران‌قدر بر مادران کنونی و مادران نسل آینده عرضه شود، می‌توان الگوی زنانی را که توانسته‌اند در مسیر، نقش خود را پیدا کنند و باری از روی دوش جامعه بردارند را تکثیر کرد. چه خوب است رسم دوره‌می با مادران شهدا به همّت همسران مبلّغ در هر محله پا بگیرد و بانوان محل از شمع وجود آنان تا روزی که در بین ما هستند، نور و گرمی بگیرند.

پی‌نوشت

۱. طبق نظر آیت‌الله جوادی آملی، جنسیت از عوارض مرتبه‌ی نباتی است و حتی به مرحله‌ی حیوانی هم راه ندارد، چه رسد به مرتبه‌ی انسانی. (جنسیت و نفس، ویراسته هادی صادقی، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶)
۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس صبح کند و به امور اهتمام نوزد، مسلمان نیست.» (اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه سید جواد مصطفوی، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۳۹)
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار با جمعی از بانوان ۱۳۷۹/۶/۳.
۴. اشاره به خاطره‌ای که رهبر معظم انقلاب علیه السلام درباره یکی از مادران شهدا نقل می‌کنند. <https://khl.in/k/46549>.
۵. برگرفته از کتاب حوض خون، فاطمه سادات میرعالی، نشر راه‌یار، تهران، ۱۳۹۹، ص ۳۰.
۶. مادر شهیدان داود، رسول و علیرضا خالقی پور.

ارکانی زن ایرانی مسلمان را به دنیا نشان دهیم!

صبورا حسینی - کارشناس ارشد شیعه شناسی

خانواده یکی از ارکان اساسی هر جامعه‌ای است که پایه‌ی اصلی آن را زن و مادر خانواده تشکیل می‌دهد. زنان محور اصلی و مدیر عاطفی و احساسی خانواده‌اند و قوام یک خانواده وابسته به نقش‌آفرینی مناسب زنان و مادر خانواده است. بر همین اساس، معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رضی الله عنه تأکید داشتند که صلاح و فساد یک جامعه، به صلاح و فساد زنان وابسته است و از دامان زن است که مرد به معراج می‌رود!

با همین دیدگاه بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضور زنان در اجتماع، رنگ دیگری به خود گرفت و انقلاب اسلامی زمینه‌ساز پیشرفت و ارتقای همه‌جانبه آنان شد؛ به طوری که زن‌ها در جامعه به دو گونه بسیار قوی می‌توانند تأثیرگذار باشند؛



برخی دستاوردها و پیشرفت‌های زنان پس از

انقلاب اسلامی تا سال ۱۴۰۰:



الف. در حوزه بهداشت و درمان:

- ۱ بیش از ۹۵ درصد زایمان‌ها توسط زنان متخصص این رشته انجام شده است؛
- ۲ به ازای هر ۱۰۰ هزار زن در کشور ۶۰ ماما و ۸/۲ دکتر متخصص زنان و زایمان در کشور فعالیت داشته‌اند؛
- ۳ اجرای شبکه پوشش همگانی سلامت برای ۱۰۰ درصد شهرنشینان و ۹۹ درصد روستاییان و عشایر؛
- ۴ کسب رتبه دهم در جهان از نظر کمترین میزان مرگ‌هنگام زایمان؛
- ۵ کاهش آمار مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال به ۲/۱۴ درصد در هر ۱۰۰ هزار تولد و کاهش آمار مرگ‌ومیر نوزادان به ۲/۸ درصد در هر ۱۰۰ هزار تولد.^۳

- ۱ چراغ راهی که رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی رحمة الله علیه در سال ۱۳۴۲ پیش پای مادران نشان می‌دهند و می‌فرمایند: «یاران من در گهواره‌ی مادران‌شان هستند»؛^۲ یعنی نجات و آزادی کشورشان بستگی به تربیت نسلی دارد که مادران و همسران وظیفه آن را به عهده‌دارند.
- ۲ از سوی دیگر بعضی مناصب در کشور وجود دارد که برای اداره‌ی کشور حضور زن‌ها لازم است و اگر بنا باشد که مانند قبل از انقلاب همه را به مردها واگذار کنند و اجازه‌ی حضور زن‌ها داده نشود؛ دختران سرزمین هیچ‌گاه هویت خود را پیدا نمی‌کنند. برای مثال حضور و پیشرفت معلم‌های زن در نظام آموزش و پرورش بود که به دختران ما روحیه‌ی «ما می‌توانیم» داد و هم‌چنین بی‌سواد‌ی زنان را تقریباً در کشور ریشه‌کن نمود.

امام راحل در همان ابتدای انقلاب اسلامی به آن پرداختند و فرمودند: «اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آنان نبوده است، برعکس اسلام با مفهوم زن به‌عنوان شیء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت او را به وی برگردانده است. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند؛ اما رژیم شاه است که با غرق کردن آن‌ها در امور خلاف اخلاق، می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند. اسلام شدیداً معترض به این امر است. ما می‌خواهیم که زنان را از فساد، که آنان را تهدید می‌کند، آزاد سازیم.»^۵

امام خمینی رحمته‌الله علیه راه آزادی را پیش پای زنان قرار داده و از سوی دیگر نیز با الگو قرار دادن **حضرت زهرا علیها السلام**، جایگاه و هویت اصلی زن‌ها را نیز به آن‌ها نشان داده و مخالفت خود را با نگاه «شیء‌وارگی» به زن اعلام می‌دارد.

ب. در حوزه اشتغال و کارآفرینی؛



① فعالیت تعداد ۴۲۰ صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی با تخصیص ۱۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار دولتی؛

② فعالیت تعداد ۲۳۹۰ زن به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های دانش‌بنیان؛^۴



بدون شک این دستاوردها و

پیشرفت‌هایی که به زنان ایرانی هویت

بخشید، مرهون «ما می‌توانیم»ی است

که انقلاب اسلامی به ارمغان آورد.



احترام به حقوق زن و مرد در جامعه و حضور مؤثر بانوان در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، امری بود که

رهبر کبیر انقلاب اسلامی با عدم حق رأی زن‌ها مخالفت کرده و اعلام داشتند که زن‌ها باید در عرصه‌های سیاسی مشارکت داشته باشند؛ ولی درعین حال برخلاف دیگر کشورهای اروپایی و پیشرفته، که دختران خود را به سربازی می‌فرستند، اجازه‌ی فرستادن دختران به سربازی را نمی‌دهند.

از دیگر هویت‌بخشی‌های امام راحل به زنان را می‌توان برگزیدن روز میلاد حضرت زهرا علیها السلام به عنوان «روز زن» دانست که تعبیرات امام از مقام و منزلت ایشان و معرفی حضرت به عنوان یکی از نمونه‌های انسان کامل و معرفی الگوی زن برگزیده در اسلام، از جمله دلایل ایشان می‌باشد و این در حالی است که پیش از انقلاب روز ۱۷ادی، روز کشف حجاب توسط رضاخان، «روز زن» بود و یا در غرب، روز ۸ مارس روزی که ۱۲۹ تن از زنان کارخانه‌ای در آتش سوختند را روز زن قرار دادند.^۶

جایگاه زنان در نظام جمهوری اسلامی به قدری والا است که رهبر معظم انقلاب حفظه الله در دیداری که با جمعی از بانوان منتخب کشور در ۱۴ دی ماه ۱۴۰۱ داشتند؛ فرمودند: «ما نصف عمرمان را تقریباً در دوره‌ی قبل از انقلاب گذراندیم. در دوره‌ی پیش از انقلاب، زنان فرزانه، فهمیده،



رسانه آن را صرفاً در قالب‌های کلیشه‌ای به جوانان ما نشان داده است. آنچه ما در سال‌های گذشته در قالب سریال‌هایی چون جواهری در قصر یا پزشك دهكده به جوانان نشان دادیم؛ محصولی غیر ایرانی برای به رخ کشیدن موفقیت‌های زن در جامعه‌هایشان بوده است. از سوی دیگر این روزها با محور قرار دادن زنان در قالب سریال‌های قدیمی تاریخی همچون شهرزاد، خاتون و حتی جیران، الگویی را از زن ایرانی در جهان به نمایش گذاشته‌اند که صدا البته متفاوت است با فضایی که انقلاب اسلامی به زن‌ها هدیه داده است.

متأسفانه ما در طول این ۴۰ سال نتوانستیم الگوهای اصلی نظیر **حضرت زهرا علیها السلام** و **حضرت زینب علیها السلام** را به درستی در سبک زندگی و کرامت زن الگوبرداری و آنان را برای هویت دخترانمان کاربردی کنیم و هم‌چنین از سوی دیگر با ضعف

دانشمند، تحصیل‌کرده، اهل تحقیق و صاحب پژوهش در زمینه‌های مختلف، انگشت‌شمار بودند؛ این‌همه استاد دانشگاه زن، این‌همه پزشک متخصص و فوق تخصص زن، این‌همه دانشمند محقق در بخش‌های مختلف - اینکه می‌گویم بخش‌های مختلف، واقعاً جاهایی است که خودم رفته‌ام، دیده‌ام، بازدید کرده‌ام - دانش‌های پیشرفته، فناوری‌های پیشرفته، زنان دانشمند، زنان فرهیخته آنجا مشغول کار هستند. این‌در پیش از انقلاب سابقه نداشت؛ این کاری است که انقلاب کرد.»^۶

چهره‌ی موفق از زن ایرانی مسلمان را نشان

نداده‌ایم

آنچه در ادامه راه برای رشد امید در کشور بسیار موردنیاز است، ارائه الگو و آماری صحیح از چهره‌ی زن ایرانی مسلمان موفق در جامعه است. چهره‌ای که

در رسانه کمتر سخن از زنان ایرانی موفق در جامعه زده‌ایم. این در حالی است که ما زنان موفق ایرانی کم نداریم که در عرصه‌های مختلف، نقش آفرین بودند. مادران، همسران و دختران شهدا و جانبازان، همسران و دختران طلاب و مبلغانی که با وجود مشکلات و سختی‌های زندگی و غم غربت و دوری از عزیزانشان، بازاده‌ی محکم، عزم راسخ و با صبر جمیل، هر انسانی را در مقابل خودشان خاشع و خاضع می‌کنند.

مادر مسئله‌ی نوع نگاه به زن و خانواده، نه تنها باید با ارائه‌ی الگوهای موفق، از مقام خود دفاع کنیم بلکه همان‌طور که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام فرمودند، باید در مقام مطالبه باشیم. آنچه که ما این روزها در دست داریم گنجی گهربار است و با مطالبه‌گری باید برای نجات زن غربی تلاش کنیم؛ «زن» این روزها در جامعه‌ی غربی در منجلابی گرفتار شده است که ارائه‌ی الگوهای موفق زن و خانواده ایرانی می‌تواند نجات‌بخش آن‌ها باشد.^۸

پی‌نوشت

۱. صحیفه‌ی نور، امام خمینی علیه‌السلام، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ش، ج ۷، ص ۳۴۱.
۲. در سال ۱۳۴۲ وقتی عوامل رژیم پهلوی امام خمینی علیه‌السلام را به سوی تبعیدگاه می‌بردند، مأمور ساواک از ایشان پرسیده بود: «پس یاران شما کجا هستند؟» امام علیه‌السلام در جواب فرمودند: «یاران من در گهواره‌های مادرانشان هستند.»؛ خبرگزاری تسنیم، <https://tn.ai/>، ۶۹۷۴.
۳. معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهور، <https://b2n.ir/h80328>.
۴. همان.
۵. مصاحبه‌ی لوسین ژرژ خبرنگار روزنامه‌ی فرانسوی لوموند با امام خمینی علیه‌السلام، ۴ اردیبهشت ۱۳۵۷؛ صحیفه‌ی نور، امام خمینی علیه‌السلام، ج ۳، ص ۳۶۶. بیشتر بخوانید: <http://emam.com/-/p12wT5>.
۶. خبرگزاری ایلنا، <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-467567>.
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار جمعی از بانوان منتخب کشور، ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۱.
۸. همان.



(خاطرات تبلیغی)

خودتان طلبه بشوید!

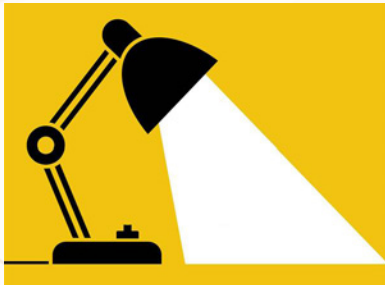
خانم بیکی، دانش آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء علیه السلام

مردها با سبیل‌های خیلی پرپشت و بزرگ، لباس گُردی، شال به کمر! دورتادور میدان شهر ایستاده بودند؛ زن‌ها هم چیزی از مردهایشان کم نداشتند؛ لباس کردی گشاد و پارچه‌های روی سرشان که بیشتر مرا به یاد عمامه می‌انداخت تا روسری! عمامه‌های رنگ‌رنگی با یراق و پولک! با فرهنگ مردم آن محل آشنا نبودم و شاید همین باعث شده بود که تمام وجودم را استرس فراگرفته باشد.

به‌غیر از چند تا از بچه‌های محل، نه مردها و نه زن‌ها، هیچ‌کدام به نماز جماعت نمی‌آمدند. مسجدی که نداشتند! مراسم در فضای باز کنار مدرسه برقرار می‌شد. اوضاع این قدر سنگین بود که حتی من هم جرئت نمی‌کردم به همسرم اقتدا کرده و نماز را به جماعت بخوانم. اما تصمیم‌مان را گرفته بودیم؛ همان لحظه‌ای که دست در دست هم از شهرمان خارج شدیم؛ ما آمده بودیم و قرار گذاشته بودیم تا محکم پای کار امام زمان علیه السلام بایستیم.



دختران کرد سرزمینم الگویی باشد، باید يك خانم مبلغه پا به میدان بگذارد. باید ببینند که يك خانم هم می‌تواند هم يك مادر و همسر موفق باشد و هم یک طلبه که پای دین و آرمان‌هایش محکم ایستاده است. (البته احتیاط هم شرط عقل بود؛ وقتی خودم می‌توانستم، چه نیازی بود که همسرم به این کلاس برود!)



استرس دوباره به سراغم آمده بود؛ تمام هفته را به مطالعه کتاب‌ها و جزوه‌های درسی‌ام پرداختم. آن شب تا صبح بیدار بودم و با توسل به خانم حضرت زهرا ع آرامش می‌جویدم. شب را به صبح رساندم؛ دیگر حالا دلم آرام‌تر شده بود؛ چون که همه را به مادران سپرده بودم.

کم‌کم استقامت‌مان جواب داد. همسرم توانسته بود اهالی را راضی کند و در قالب‌های مختلف برای بچه‌ها کلاس احکام، قرآن و عقاید راه‌بیندازد و حتی کم‌کم به روستاهای اطراف هم، راه پیدا کردیم. مردم وقتی می‌دیدند که با جان و دل پای صحبت‌هایشان می‌نشینیم و بی توقع برای موفقیت کودکانشان تلاش می‌کنیم، آهسته‌آهسته به یاری‌مان آمدند.

اولین کمک این بود که کلید مدرسه را دادند تا کلاس‌ها آنجا تشکیل شود. این طوری خیلی رسمی‌تر بود، تا آن وقت کلاس‌ها در فضای باز کنار مدرسه برگزار می‌شد. در یکی از روستاها که تعداد شیعه‌ها از «اهل حق» بیشتر بود، استقبال عالی شد. قرار شد یک کلاس هم برای دختران دبیرستانی برگزار شود.

اینجا دیگر نوبت من بود که پا به میدان بگذارم؛ تا حالا استاد نبودم، اما از طرفی هم، اعتقاد داشتیم که اگر بنا باشد برای

هنری هم می‌کردیم؛ ولی اصل هدفمان گفتن احکام و آشنایی نوجوانان با معارف اسلامی بود.

تابستان به سرعت گذشت، دوره تمام شد و حالا باید به قم برمی‌گشتیم. باینکه از نظر امکانات، غذا، غم غربت و... تقریباً همه چیز خیلی سخت بود؛ ولی احساس این‌که من هم به‌عنوان سرباز **امام زمان** علیه السلام کاری کرده‌ام برایم خیلی لذت بخش بود؛ البته آن‌ها هم خیلی تشنه معارف دین بوده و باجان و دل می‌پذیرفتند و چیزی را که حالا با سختی به دست آورده بودند، بیشتر قدر می‌دانستند.

روزی که می‌خواستیم برگردیم، در پایان کلاس با دخترها خداحافظی کردم خیلی اظهار محبت کردند. تا حالا کسی این قدر از من تشکر نکرده بود، حتی بعضی‌ها گریه می‌کردند. یکی از دخترها می‌گفت: «خانم شما که

صبح فردا با کمی استرس وارد کلاس شدم. برخلاف انتظارم، تقریباً همه با چادر و مقنعه بودند. نه از لباس‌های کردی خبری بود و نه روسری‌های عمامه‌ای! مثل خودمان بودند. سرگفت‌گورابازکردم و الحمدلله خیلی زود ارتباط برقرار شد و یخ‌ها باز! آن‌طور هم که فکر می‌کردم سخت نبود. البته شب تا دیروقت مطالعه می‌کردم اما صبح وقتی شوق و عطش دختران نوجوان را برای شنیدن معارف زیبای دینم می‌دیدم، بیشتر سر ذوق آمده و خستگی‌ام درمی‌رفت. از اینکه تدریس می‌کردم و خودم احکام بانوان را می‌گفتم، خدا را شاکر بودم. شاگردها هم خوشحال بودند و هرروز معارف جدیدی یاد می‌گرفتند. شاید باورتان نشود، یکی از مشکلاتشان این بود که پدر و مادرشان اجازه نمی‌دادند که کلاس احکام بیایند! لذا به بهانه‌ی آموزش مهارت‌های هنری، وارد کلاس می‌شدند و صدالبته که ما کار

یکی فریاد زد: «بچه‌ها خانم بیکی!!» همه تعجب کردیم، بیشتر از همه خودم!! دخترها که تا آن وقت خیلی رسمی بودند، به سرعت آمدند سمت من و بی توجه به کلاس و طلبه‌های خارجی که با چشم‌های گرد شده و متعجب نگاهشان می‌کردند، گفتند: خانم یادتان نیست؟ در روستاهای «کرند غرب» برایمان کلاس احکام داشتید و گفتید «خودتان بروید طلبه بشوید!» ما همان موقع دلمان خواست درس طلبگی را بخوانیم و مثل شما خانم طلبه بشویم و حالا شدیم. من که تازه آن‌ها را شناخته بودم، خیلی ذوق زده گفتم: «ان شاء الله به زودی هر کدامتان یک آقای طلبه هم داشته باشید!» همه خندیدند؛ یکی یواشکی گفت: «خانم ان شاء الله با دعای شما!»

بروید دیگر کسی مسائل دین یاد ما نمی‌دهد.» گفتم: «چند تا از خودتان بروید طلبه بشوید و فرهنگ روستای خودتان را آباد کنید!!» با تعجب نگاهم کردند، انگار حرف عجیبی گفته باشم. البته حق داشتند درجایی که برای شرکت در کلاس احکام باید کلی نقشه می‌کشیدند، فکر طلبه شدن هم بعید بود. با هدیه‌ای که خودشان برایم تهیه کرده بودند؛ از کلاس خارج شدم. پس از گذشت چند سال، روزی در بخش بین‌الملل جامعه الزهراء ع.ا.س. مشغول تدریس بودم، گفتند عده‌ای از طلبه‌ها برای بازدید آمده‌اند، می‌خواهیم کلاس شما را ببینند؛ گفتم: «مانعی نیست بفرمایند.» در کلاس باز شد، عده‌ای از خانم‌های جوان وارد شدند. خوش آمد گفتم و می‌خواستم درس را ادامه بدهم که

«شما نیز می‌توانید تجربه‌ها و خاطرات
تبلیغی خود را با مادر میان بگذارید.»

می تونی بگی؟



با مطالعه محتوای ماهنامه، پاسخ سؤالات مطرح شده را به صورت یک عدد رقمی بطور مثال (۱۴۳۱۲ - شماره ۱) به همراه نام نام خانوادگی، به آیدی @esfahani_ess ارسال بفرمایید.
به افرادی که پاسخ صحیح داده باشند، هدایایی به قید قرعه اهداء خواهد شد.

۱ کدام گزینه از آسیب‌های نگاه صفر و صدی به دعا نمی‌باشد؟

- ۱ ما را به خود، خدا و گذشته بدبین می‌کند
۲ به خودمان بدبین شویم
۳ سبب ناامیدی و بدبینی و دین‌گریزی ما می‌شود
۴ ما را به خدا و آینده بدبین می‌کند

۲ طبق فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرم‌ترین افراد نزد خداوند کسی است که، بیشترین تکریم را نسبت به..... داشته باشد؟

- ۱ فرزند
۲ همسایه
۳ پدر
۴ همسر

۳ (اگر مادران و همسران شهدای صبری نشان می‌دادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها می‌خشکید...) این سخن از کیست؟

- ۱ شهید چمران رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ
۲ سردار شهید سلیمانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ
۳ مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَام
۴ امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

۴ در تربیت صحیح و برقراری ارتباط صمیمی با فرزندان، کدام نکته پیش روی والدین است؟

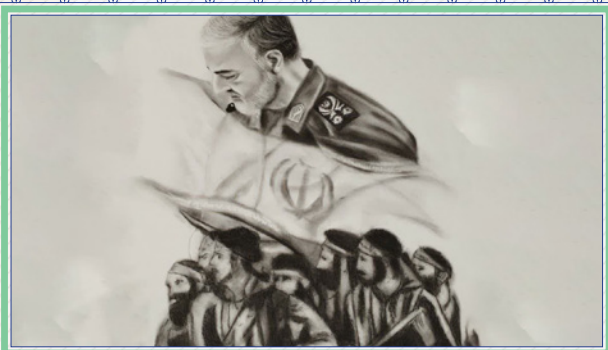
- ۱ پذیرش فرزندان همان‌گونه که هستند
۲ در نظر گرفتن فرصت مشخص برای نتیجه دادن تربیت
۳ انتظار برای تغییرات ناگهان
۴ گزینه ۱ و ۳

۵ کدام گزینه از مصادیق (معاشرت به معروف) نیست؟

- ۱ وقار
۲ پیگیری مداوم
۳ هدیه دادن
۴ خوش‌بینی

برگزیده آثار رسالی از مخاطبین

به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران



● اثر سیاه قلم - محمد غفاری گوشه
● ۱۲ ساله از استان چهارمحال و
● بختیاری، شهر فارس



● محدثه حافظ قوچانی
● ۱۲ ساله از شهر مقدس قم



● فاطمه زهرا غفاریان
● ۷ ساله از قم

شرایط پذیرش مقاله و یادداشت در

ماهنامه خانواده مسلمان

- ۱) عنوان گویا، رسا و ناظر به محتوای مقاله باشد؛
 - ۲) محتوای نوشتار دارای نوآوری باشد (داشتن تحلیل و ایده نو)؛
 - ۳) متن دارای اتقان و انسجام (عدم بهم‌ریختگی) باشد؛
 - ۴) امانت در نقل رعایت شده و از انتحال و سرقت علمی پرهیز گردد؛
 - ۵) موضوع و محتوا کاربردی باشد؛
 - ۶) مطالب صبغه‌ی دینی داشته و از آیات قرآن، روایات معصومان و تاریخ اسلام استفاده شود؛
 - ۷) نگارش روان و گویا بوده و نثر معیار، علائم نگارشی و وحدت قلم رعایت گردد؛
 - ۸) دارای استناد و ارجاع‌دهی علمی و وحدت رویه در پاورقی‌ها باشد؛
 - ۹) از توضیح غیرضروری، لفظ‌پدازی و قلم‌فرسایی پرهیز شود؛
 - ۱۰) متون عربی (اعم از آیات، روایات و عبارات عربی) اعراب‌گذاری و ترجمه‌ی دقیق داشته باشد؛
 - ۱۱) از پیوست منابع و مآخذ برای مطالعه‌ی بیشتر در متن نوشتار برخوردار باشد؛
 - ۱۲) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مناسب داشته باشد؛
 - ۱۳) مقاله و یادداشت قبلاً در جای دیگر چاپ یا منتشر نشده باشد؛
 - ۱۴) مطالب به صورت تاپی (در محیط word) باشد و از ۱۰۰۰ کلمه فراتر نرود؛
 - ۱۵) پاورقی‌ها به این صورت تنظیم شود:
- الف. کتاب: نام کتاب، نام و نام خانوادگی نویسنده، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، ناشر، محل نشر، نوبت چاپ، تاریخ چاپ، جلد، صفحه.
- ب. مقاله: نام مقاله در گیومه، نام و نام خانوادگی نویسنده، نام مجله، سال انتشار، شماره، صفحه.

۱. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اصلی «کاربردی بودن»: «پرکردن خلأ و پاسخ به نیاز خانواده مبلغ و طلاب (همسر و فرزندان) سهل‌الوصول نبودن دسترسی به محتوا برای مخاطب، افزایش مهارت و توانایی خانواده مبلغ، نوآوری در بیان و ارائه‌ی راهکارهای مناسب.

راه‌های ارتباطی



شماره تماس دفتر ماهنامه:

۰۲۵-۳۱۳۲۵۶۵

آدرس اینترنتی سامانه دریافت مقالات:

www.mobaleghankhanvade.ismc.ir

فراخوان مقالات

ماهنامه خانواده‌مبلمان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
در نظر دارد مقالاتی با موضوعات ذیل ویژه خانواده طلاب و مبلمان (همسران و فرزندان)
در قالب ماهنامه «خانواده مبلمان» به چاپ برساند.



موضوعات فراخوان:

۱. شیوه‌های تعامل خانواده مبلمان با نسل جوان؛
۲. راه‌های ایجاد نشاط و شادابی در خانواده مبلمان؛
۳. تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر تربیت فرزندان؛
۴. بیان تجربیات تبلیغی خانواده مبلمان و روحانیون؛
۵. تفریحات سالم برای خانواده مبلغ در محیط تبلیغی؛
۶. کودکی و نوجوانی فرزندان مبلمان؛ ویژگی‌ها و نیازها؛
۷. مدیریت روابط خانواده طلاب و مبلمان با خویشاوندان؛
۸. تبیین ارزش و آثار تبلیغ برای خانواده و فرزندان مبلمان؛
۹. تبیین ظرفیت‌های تبلیغی اعضای خانواده طلاب و مبلمان؛
۱۰. نیازهای آموزشی، مهارتی و هنری خانواده طلاب و مبلمان؛
۱۱. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در محیط تبلیغی و خانواده؛
۱۲. راهکارها و زمینه‌های اشتغال همسران طلاب و مبلمان (تحصیلی، تبلیغی و اشتغال خانگی).

امتیازات

- * پرداخت حق‌التألیف
- * چاپ مقاله به نام نویسنده
- * صدور گواهی و تأییدیه چاپ
- برای نهادها و مراکز

شرایط مقالات

- * حداکثر حجم مقالات ۱۰۰۰ کلمه تایپ شده؛
- * دارای نوآوری و خلاقیت؛
- * مناسب خانواده طلاب و مبلمان؛
- * ارائه راهکار در محتوای مهارتی.

از عموم طلاب (برادران و خواهران) علاقمند و صاحب نظر، دعوت می‌شود
مقالات و آثار علمی خود را به دفتر مجله ارسال نمایند.

راه‌های ارتباطی



شماره تماس دفتر ماهنامه:

۰۲۵-۳۱۳۲۵۶۵

آدرس اینترنتی سامانه دریافت مقالات:

www.mobaleghankhanvade.ismc.ir